



روایت پزشک‌های از خواست رهبر شهید



دیدار روحانی با خانواده شهید لاریجانی



محمدجواد ظریف



بررسی عملکرد صداوسیما

حذف یک صدا

انتقادات عادل فردوسی‌پور از تیم ملی فوتبال ایران
باعث مسدودسازی سایت فوتبال ۳۶۰ شد!
سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ



مسدود شدن فوتبال ۳۶۰ چند ساعت پس از درخواست قلعه‌نویی برای «گرفتن تریبون منتقدان» فوتبال ایران را وارد یک نبرد رسانه‌ای تازه کرده است. جنگ فدراسیون فوتبال، سرمربی تیم ملی و برخی رسانه‌ها با مخالفان پرتعداد و گوناگون وارد فاز تازه‌ای شده است. تنها چند ساعت بعد از درخواست امیر قلعه‌نویی از حاکمیت برای گرفتن تریبون از مخالفان و منتقدان تیم ملی، سایت فوتبال ۳۶۰ متعلق به عادل فردوسی‌پور از دسترس خارج شد. این پایان نبردی ریشه‌دار نیست؛ به نظر می‌رسد در میانه داستانی هستیم که احتمالاً هنوز به اوج خود نرسیده است. اما برنده این جنگ کدام گروه خواهد بود؟

ادامه در صفحه ۲



عکس: بهنام رنجکش

بهره چین و روسیه از جنگ ایران و آمریکا

علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه پیشین ایران
نگاه دیگری به منازعه تهران و واشنگتن دارد



افق



سرمقاله

بغض یک نسل

بغض عادل، من را به یاد دوستان و همکارانم
انداخت که شب، صفحه اول روزنامه را بستند
و صبح، روزنامه آنها منتشر نشد



اکبر منتجبی

سردبیر

بغض صدای عادل فردوسی‌پور و گریه او پس از فیلتر شدن «فوتبال ۳۶۰» و از دسترس خارج شدن آن، صدای آشنای بسیاری از ما بود؛ صدای کسی که سال‌ها تلاش کرده بود فقط کار کند و حالا می‌پرسد: «چرا نمی‌گذارید در این مملکت کار کنیم؟» صدای عادل خشمگین نبود، صدای مرد خسته‌ای بود که سال‌ها جنگیده، کنار گذاشته شده، دوباره از نو ساخته، دوباره ایستاده و حالا رویه‌روی دوربین می‌پرسد: «لا مصبا، چرا نمی‌گذارید در این مملکت کار کنیم؟»

من این صدا را قبلاً هم شنیده‌ام؛ نه در خیابان بلکه در تحریریه روزنامه‌هایی که حکم توقیف‌شان روی میز سردبیر فرود آمدند. از گلوی محمد قوچانی، از صدای شمس‌الواعظین، از میان سخنان رضا تهرانی و از چشم‌های بسیاری از روزنامه‌نگاران، سال‌ها و بارها این صدای بغض‌آلود را شنیده و آن چشم‌های اشک‌آلود را دیده و گاه خودم به آن مبتلا شده‌ام.

وقتی یکی از روزنامه‌هایی که در آن کار می‌کردم بسته شد، اولین سوال همه ما این بود که از فردا چه باید کرد؟ همه نگران آینده‌ای نامعلوم بودند. به همین دلیل مسدودسازی سایت ۳۶۰ برای من، فقط خبر فیلتر شدن یک سایت نیست. در آن، تصویر همان اتاق‌های تحریریه را می‌بینم که چراغ‌های خاموش و ده‌ها نفر بیکار شدند و نمی‌دانستند چرا کارشان را در عرض چند دقیقه از دست داده‌اند.

صدای عادل، من را به یاد خودم انداخت. به یاد دوستان و همکارانم. به یاد خبرنگارانی که شب صفحه اول روزنامه را بستند و صبح، روزنامه آنها منتشر نشد. به دبیران سرویس، عکاسان، خبرنگاران و صفحه‌آرهای فکر کردم که ناگهان بیکار شدند. به ده‌ها روزنامه‌ای فکر کردم که در این سه دهه آمدند و بسته شدند. به نسلی فکر کردم که خسته شدند و بُردند و این حرفه را رها کردند و رفتند، چون طعم ناامنی را چشیده بودند.

نگرانی من برای شخص فردوسی‌پور نیست. او چهره شناخته شده‌ای است و احتمالاً در روزهای بعد یا ماه بعد ۳۶۰ باز خواهد شد یا اگر نشد، عادل راه‌های دیگری برای ادامه پیدا می‌کند. اهمیت ماجرا در پیامی است که به جامعه می‌رسد؛ که حتی اگر محبوب باشید، حتی اگر در حوزه‌ای غیرسیاسی کار کنید، حتی اگر میلیون‌ها مخاطب داشته باشید، ممکن است با یک انتقاد یا پرسش، متوقف شوی، بدون آنکه بدانی چه کسی پشت آن تصمیم خوابیده است. جامعه‌ای که در آن، آینده فعالیت روزنامه‌نگاران دائماً در هاله‌ای از ابهام باشد به تدریج محافظه‌کار می‌شود. آدم‌ها کمتر ریسک می‌کنند، کمتر نقد می‌نویسند، کمتر ایده تازه ارائه می‌دهند و بیشتر به این فکر می‌کنند که چگونه دیده نشوند.

برای همین، ماجرای فیلتر شدن فوتبال ۳۶۰ فقط داستان عادل فردوسی‌پور نیست. این داستان همه ماست و متأسفانه داستان تکراری ایران معاصر است. داستان آدم‌هایی که می‌خواهند، کار کنند و مدام باید ثابت کنند که حق کار کردن دارند و مدام می‌پرسند چرا نمی‌گذارید کار کنیم؟

ادامه در صفحه ۸

ایران

جای خالی لاریجانی

روحانی در دیدار با خانواده شهید لاریجانی:

با وجود ایشان حتما سرنوشت دیگری می‌داشتیم



گروه سیاسی: حسن روحانی، رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم در دیدار با خانواده شهید علی لاریجانی با توصیف او به‌عنوان «یکی از چهره‌های بسیار نادر عصر ما» از خلأ بزرگ این سیاستمدار و مدیر ارشد در شرایط کنونی کشور سخن گفت و تأکید کرد که لاریجانی نه‌تنها در سال‌های همکاری نزدیک «برای من برادری کرد» بلکه با نقش‌آفرینی مؤثر در پرونده هسته‌ای، مسائل امنیتی و تصمیم‌سازی‌های کلان، خدماتی ماندگار به کشور ارائه داد؛ شخصیتی که به باور رئیس‌جمهور پیشین اگر امروز در کنار نظام بود، می‌توانست در عبور از بحران‌های پیچیده کنونی، نقشی تعیین‌کننده ایفا کند.

روحانی روز دوشنبه ۲۹ تیر با حضور در منزل شهید دکتر علی لاریجانی با خانواده این شهید دیدار و گفت‌وگو کرد و ضمن گرامیداشت یاد شهیدان آیت‌الله مرتضی مطهری، علی لاریجانی و مرتضی لاریجانی از جایگاه ویژه و نقش اثرگذار شهید لاریجانی در عرصه‌های مختلف مدیریتی، سیاسی و امنیتی کشور سخن گفت. روحانی در ابتدای سخنان خود با مقایسه جایگاه شهید لاریجانی با شهید مطهری، تأکید کرد: «همان‌گونه که جای خالی شهید مطهری در تاریخ انقلاب و فرهنگ و اندیشه اسلامی هرگز پر نشد، جای خالی شهید لاریجانی نیز نه فقط در این خانه و برای خانواده ایشان بلکه برای خانواده بزرگ ملت ایران هم محسوس و ملموس است که شخصیتی عزیز، مدیر و لایق برای اداره کشور را در این شرایط حساس از دست دادیم».

رئیس‌جمهور پیشین در ادامه با تشریح ابعاد مختلف شخصیت شهید لاریجانی، او را مدیری کم‌نظیر توصیف کرد که هم‌زمان از ویژگی‌های علمی، فرهنگی، مدیریتی و سیاسی برخوردار بود. به گفته روحانی، شهید لاریجانی «عالم، اهل فضل، مدیر و مدیر، شجاع، مسلط به مسائل کشور و منطقه و جهان و چهره‌ای فرهنگی و در عین حال مدیری لایق در حوزه سیاسی، چه سیاست داخلی و خارجی و مسائل امنیتی بود». او با تأکید بر اینکه چنین شخصیت‌هایی در کشور بسیار اندک هستند، تصریح کرد: «شهید لاریجانی جزو چهره‌های بسیار نادر عصر و زمان ما بود و بسیار متأسفم که ایشان را از دست دادیم» و از او به‌عنوان «سردار رشید جبهه مقدم برای کشور، انقلاب و نظام» یاد کرد. بخش مهمی از سخنان روحانی به روایت پیش از سه دهه همکاری و آشنایی نزدیکش با شهید لاریجانی اختصاص داشت؛ همکاری‌ای که از بهمن ۱۳۵۹ در سازمان صداوسیما آغاز شد و در سال‌های بعد در شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شوراهای متعدد در دوره ۸ ساله ریاست‌جمهوری ادامه یافت. او با اشاره به حضور فعال شهید لاریجانی در جلسات تصمیم‌گیری گفت که او همواره با نگاه کارشناسی، ارائه راهکار و تلاش برای حل مشکلات شناخته می‌شد و حتی در دشوارترین جلسات با شوخ‌طبعی خود به ما روحیه می‌داد و فضا را آرام می‌کرد. روحانی تأکید کرد: «در دوره ریاست‌جمهوری واقعاً برای شخص من برادری و به کشور هم خدمت بزرگی کرد».

رئیس‌جمهور اسبق سپس به نقش شهید لاریجانی در مهم‌ترین پرونده‌های سیاست خارجی اشاره کرد و گفت: «همواره در جلسات هسته‌ای، حضور داشت و نظر و راه‌حل می‌داد و کمک می‌کرد. ایشان نه‌فقط برای تصویب برجام در مجلس کمک کرد بلکه وقتی برای بحث درباره مسائل منطقه، خدمت مقام معظم رهبری می‌رسیدیم نیز نظرات راهگشایی داشت و نقش مؤثری ایفا کرد». روحانی با تأکید بر ویژگی برجسته شهید لاریجانی در توانایی ارائه راه‌حل در شرایط پیچیده و نگاه جامع به مسائل کشور، افزود: «شخصیت‌هایی که دارای همه این ویژگی‌ها و صفات باشد، تعدادشان در کشور بسیار اندک است». رئیس‌جمهور پیشین در بخش پایانی سخنانش با اشاره به شرایط فعلی کشور، فقدان شهید لاریجانی را خسارتی بزرگ برای مدیریت کشور دانست و اظهار کرد: «جای ایشان در این شرایط بسیار سخت برای اداره کشور که حتی از سال ۱۳۶۰ هم سخت‌تر است بسیار خالی است». او همچنین با اشاره به تحولات اخیر و جنگ ۴۰ روزه اظهار کرد: «بسیاری امیدوار بودند که ایشان در این حوادث پیچیده با توجه به جایگاه‌شان و تجربه زیادی که داشتند و با راه‌حل‌های خود برای مسائل مربوط به جنگ ۴۰ روزه و پس از آن نقش مؤثری ایفا کنند» و افزود: «حتماً با وجود ایشان ما سرنوشت دیگری می‌داشتیم».

چرا مذاکرات آغاز شد؟

پزشکیان: رهبر شهید بر ضرورت خاتمه دادن به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» تأکید داشتند

همچنین تأکید کرد که «قدرت اصلی ما در با هم بودن است» و گفت: «متأسفانه برخی تنها به شعاربسنده می‌کنند و همکاری عملی ندارند؛ درحالی که تصمیمات باید بر پایه خرد و تدبیر جمعی گرفته شود».

تأکید بر حمایت از تولید در شرایط پساجنگ

پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد که دشمنان با هدف ایجاد فشار داخلی و فروپاشی اجتماعی، جنگی تمام‌عیار را بر ملت ایران تحمیل کردند اما تولیدکنندگان و صنعتگران با استقامتی کم‌نظیر در برابر همه مشکلات ایستادند و این سناریو را ناکام گذاشتند؛ تا جایی که آنها ناچار شدند به‌جای جنگ تن به تعامل و گفت‌وگو دهند. او پیروزی کشور در عبور از این شرایط را نتیجه وحدت، همدلی و انسجام داخلی دانست و تأکید کرد که دولت نیز در سایه همین هم‌افزایی بخشی و فربخشی، عهد بسته است که به مطالبات بحق فعالان اقتصادی جامه عمل بپوشاند. او همچنین گفت که «دولت به‌صورت شش‌ماهه‌روزی در تلاش است تا به مطالبات و دغدغه‌های صاحبان فرآیندهای اقتصادی و بنگاه‌ها پاسخ شایسته دهد».

پزشکیان همچنین با قدردانی از نقش تولیدکنندگان در تأمین مایحتاج کشور در روزهای سخت جنگ، خطاب به آنان گفت: «در حقیقت این شما بودید که در جبهه اقتصادی با دشمنان جنگیدید و اجازه ندادید، کشور در آن شرایط حساس با کمبود و قحطی مواجه شود». به گفته رئیس‌جمهور، دشمن تصور می‌کرد با هدف قرار دادن زیرساخت‌های انرژی و تأسیسات حیاتی، ایجاد نارسایی در حوزه برق و انرژی و فشار وارد کردن به فعالان اقتصادی، کشور را به فروپاشی می‌کشاند اما همراهی مردم، هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و مقاومت بخش تولید نقشه‌های آنان را نقش بر آب کرد.

رئیس‌جمهور در پایان سخنان خود بار دیگر بر ضرورت حفظ وحدت ملی تأکید کرد و گفت، دولت خود را خادم مردم می‌داند و با انکا به خداوند و پشتیبانی رهبری مسیر خدمت به کشور را ادامه خواهد داد. او تأکید کرد که تجربه ماه‌های گذشته بار دیگر نشان داد بزرگ‌ترین سرمایه ایران، اتحاد و همدلی مردم است؛ سرمایه‌ای که به گفته او مانع از تحقق اهداف دشمنان شده و همچنان مهم‌ترین پشتوانه کشور برای عبور از چالش‌های پیش‌رو خواهد بود.



پزشکیان در بخش دیگری از سخنانش از برخی اظهارنظرهای ناروا و غیرکارشناسی در مورد مذاکرات انتقاد کرد و گفت: «برخی سخنان نادرست و بی‌توجه به ابعاد مختلف موجب کوچک‌نمایی دستاوردها می‌شود. وحدت و انسجام، مهم‌ترین رکن جامعه است و نباید با اظهارنظرهای نسنجیده، تلاش‌های خالصانه افراد را نادیده بگیریم». او در ادامه، هم‌افزایی و تعامل سازنده را رمز پیشرفت و آبادانی کشور دانست و با تأکید بر ضرورت همدلی میان همه ارکان کشور برای حل مشکلات همه اقشار مردم، تصریح کرد که «این مهم نیازمند تعامل همه‌جانبه، تدبیر جمعی، اندیشه‌ورزی و هماهنگی میان تمام ارکان جامعه است».

رئیس‌جمهور با بیان اینکه «سخنان بسیاری در دلم دارم اما به‌خاطر حفظ وحدت، حاضر به تحمل همه تلخی‌ها هستم» از همه خواست که به صحنه بیایند و بپذیرند که برای تغییر شرایط چاره‌ای جز انسجام داخلی و هم‌زمانی نیست». او

گروه سیاسی: رئیس‌جمهور روز گذشته در مراسم روز ملی صنعت و معدن، روایتی از فرآیند آغاز مذاکرات و نقش هدایتگر رهبر شهید در این مسیر ارائه کرد؛ اظهاراتی که در شرایط تداوم بحث‌ها درباره مذاکرات و نحوه تصمیم‌گیری پیرامون آن با انتقاد مجدد او از نحوه بازتاب سخنان ایشان در صداوسیما نیز همراه شد.

پزشکیان با اشاره به جلسات خصوصی با رهبری، تأکید کرد: «اگرچه صداوسیما تنها بخشی از سخنان ایشان درباره عدم مذاکره را پخش می‌کند اما در جلسات خصوصی با معظم‌له، ایشان بر ضرورت خاتمه دادن به این وضعیت تأکید داشتند. برای همین با تکیه بر عزت، مصلحت، حکمت و سربلندی کشور، مذاکرات را آغاز کردیم و دستگاه دیپلماسی ما هرگز از حقوق ملت ایران کوتاه نخواهد آمد».

او همچنین در ادامه از افزایش سطح ارتباط با رهبری سوم سخن گفت و افزود: «اکنون نیز با افزایش ارتباط و سطح دسترسی بیشتر به رهبر عزیزمان، تمام اقدامات براساس رهنمودهای ایشان سامان یافته است».

مذاکره بر پایه عزت، حکمت و مصلحت

مراسم روز ملی صنعت و معدن صبح روز گذشته با حضور رئیس‌جمهور، وزیر صنعت، معدن و تجارت و جمعی از صاحبان صنایع، معادن و بنگاه‌های اقتصادی برگزار شد. بخش اصلی سخنان رئیس‌جمهور در این مراسم به موضوع مذاکرات و فرآیند تصمیم‌گیری درباره آن اختصاص داشت. او

با ادای احترام به شهدا، به‌ویژه مقام رهبر شهید و با اشاره به هدایت‌های ایشان، توضیح داد که سیاست دولت در این حوزه بر مبنای رهنمودهای ایشان شکل گرفته است. پزشکیان تصریح کرد که آغاز مذاکرات نه یک تصمیم مقطعی بلکه نتیجه جمع‌بندی‌های راهبردی و با تکیه بر اصول «عزت، حکمت و مصلحت» بوده است.

پزشکیان با اشاره به نقش بی‌بدیل رهبر شهید در حمایت از دولت و تولیدکنندگان، خاطر‌نشان کرد: «اعتقاد قلبی من این است که هر دستاوردی داریم به برکت رهنمودهای رهبر شهید است که همواره پشتیبانی ما بودند و اگر نارسایی‌هایی می‌دیدند با ملایمت و در خفا تذکر می‌دادند». وی افزود: «امروز نیز به پشتیبانی رهبر معظم انقلاب نیاز داریم و مسیر را با قدرت ادامه خواهیم داد. در راه خدمت به مردم از شهادت هراسی نداریم؛ هیچ چیز ارزشمندتر از شهادت در راه خدمت به مردم نیست». او همچنین تأکید کرد: «مجموعه مدیران، صاحبان صنایع و

سیاست

کاسبان جنگ علیه صلح شرافتمندانه

واکنش عبدالکریم سروش به حملات به خاتمی

گروه سیاسی: هنوز چند روزی از انتشار اظهارات سیدمحمد خاتمی، رئیس‌دولت اصلاحات درباره «صلح شرافتمندانه» در جمع مشاورانش نگذشته بود که موجی از حملات علیه او در رسانه‌های نزدیک به جریان‌های تندرو آغاز شد؛ حملاتی که از یادداشت‌ها و گزارش‌های انتقادی فراتر رفت و به آتن زنده صداوسیما نیز رسید. اکنون و در تازه‌ترین واکنش به این حملات عبدالکریم سروش، فیلسوف و دین‌پرو، در فایلی تصویری، منتقدان خاتمی را «کاسبان جنگ» خوانده و تأکید کرده که این جریان از التهاب و نزاع سیاسی ارتزاق می‌کند و «آنها را به هر نحوی باید سر جای‌شان نشاند».

خاتمی در بیانیه اخیر خود با تأکید بر اینکه «با همه وجود طرفدار صلح شرافتمندانه» است از تلاش برای دور کردن سایه جنگ از کشور حمایت کرد و هشدار داد که نباید صلح‌جویی را به خیانت تعبیر کرد. او همچنین تصریح کرد: «تعرض به مذاکره و مذاکره‌کنندگان به هیچ‌وجه با جوهر اسلام محمدی (ص) نسبتی ندارد و خدمت به ایران، کمک به خروج از بحران و پاسداشت خون شهیدان نیست». رئیس‌دولت اصلاحات در ادامه با انتقاد از افراط‌گری‌ها و اشاره به تلاش‌های اسرائیل برای برهم زدن مسیر صلح از شخصیت‌ها، رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی خواست در ترویج عقلانیت، گفت‌وگو و پرهیز از افراط‌گری و جنگ‌افروزی نقش‌آفرین باشند.

با این حال مواضع خاتمی خیلی زود با واکنش چهره‌ها و رسانه‌های نزدیک به جریان اصولگرای تندرو روبه‌رو شد. آنها بیانیه خاتمی را با ادبیاتی تند نقد کردند و او را به ساده‌اندیشی یا همسویی با پروژه مذاکره متهم کردند. اما اوج این حملات در یکی از برنامه‌های زنده رسانه ملی رقم خورد. محمدحسن رجعی‌دوانی در یکی از برنامه‌های صداوسیما با طرح ادعاهایی علیه سیدمحمد خاتمی و حسن روحانی مدعی شد: «خاتمی و روحانی جریان منافقین هستند» و حتی مدعی حمایت عبدالملک ریگی از آنان شد. اظهاراتی که به دلیل طرح اتهامات سنگین بدون ارائه مستندات که البته رویه معمول رسانه ملی است با واکنش‌های گسترده‌ای در فضای سیاسی و رسانه‌ای مواجه شد.

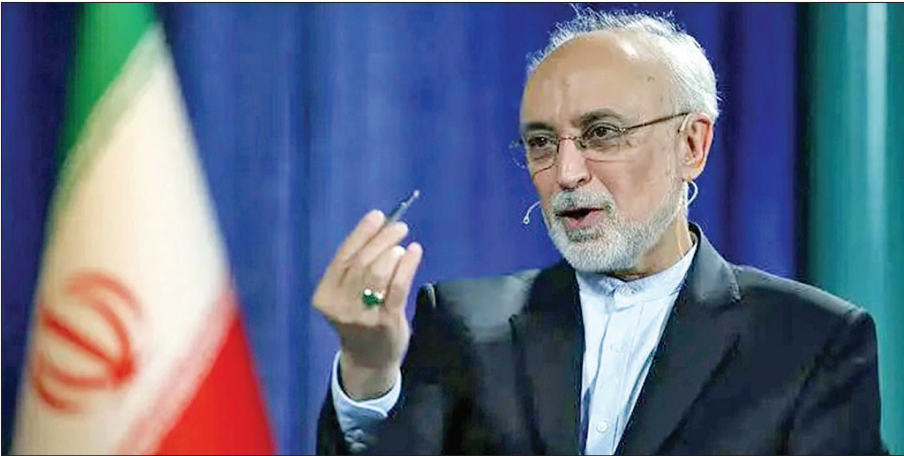


در همین فضا، عبدالکریم سروش نیز به حمایت از خاتمی پرداخت و با اشاره به حملات صورت گرفته علیه رئیس‌دولت اصلاحات از وجود «کاسبان جنگ» در داخل و خارج سخن گفت. او تأکید کرد همان‌گونه که در بیرون از مرزها کسانی از تداوم جنگ و التهاب سود می‌برند، در داخل نیز «کسانی که از جنگ کاسبی می‌کنند، حیثیت، منزلت و منفعت پیدا می‌کنند و دوست دارند این آتش فرو نشینند». سروش با اشاره به بیانیه خاتمی گفت: «دیدم وقتی آقای خاتمی که یکی از نیکخواهان شریف ایران است از صلح، رفع فتنه و خاموش کردن آتش سخن گفت از درون چه حمله‌ها، بی‌حرمتی‌ها و اهانت‌ها به ایشان شد؛ حتی او را زیان اسرائیل خواندند». او سپس با انتقاد از جریان‌های تندرو افزود: «تندروان همیشه آفتی برای آرامش در کشور ما بوده‌اند و همواره بر طبل جنگ، تفرقه و دوگانگی می‌کوبند تا دکان خود را پررواق کنند. گویی آرامش با مزاج آنها نمی‌سازد». سروش در پایان نیز این گروه را «اقلیتی» توصیف کرد که آینده کشور را تیره می‌کنند و تأکید کرد: «آنها را به هر نحوی باید سر جای‌شان نشاند و نباید اجازه داد، مصالح یک ملت فدای مصالح شوم این اقلیت شود». به این ترتیب اظهاراتی که بر حمایت از «صلح شرافتمندانه» و دفاع از مذاکره تأکید داشت در فاصله‌ای کوتاه به کانون انتقاد جریان‌های تندرو تبدیل شد؛ واکنشی که شاید با توجه به مواضع همیشگی این طیف چندان دور از انتظار هم نبود. چراکه همان‌گونه که عبدالکریم سروش در توصیف این جریان می‌گوید، آنها از جنگ و دوقطبی‌سازی ارتزاق می‌کنند. به همین دلیل هم حمایت خاتمی از صلح و مذاکره این بار بهانه‌ای تازه برای حملات آنان شده است.



بهره چین و روسیه از جنگ ایران و آمریکا

علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه پیشین ایران
نگاه دیگری به منازعه تهران و واشنگتن دارد



بلکه اقتصاد جهانی را نیز با بی ثباتی بیشتری روبه‌رو خواهد کرد. در سوی دیگر، روسیه نیز مواضعی مشابه اتخاذ کرد اما لحن کرملین به مراتب تندتر بود. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، حملات آمریکا و اسرائیل را «اقدامی تجاوزکارانه و از پیش طراحی شده» توصیف کرد و هشدار داد که ادامه این روند می‌تواند، خاورمیانه را به سمت یک فاجعه انسانی و امنیتی سوق دهد. مسکو همچنین تلاش‌های غرب برای تضعیف یا تغییر ساختار سیاسی ایران را غیرقانونی و مغایر با اصول حقوق بین‌الملل دانست. با وجود این مواضع، مهم‌ترین ویژگی رفتار چین و روسیه در طول جنگ، خودداری از مداخله نظامی مستقیم بود. هیچ‌یک از دو کشور وارد درگیری نشدند و حتی نشانه‌ای از آمادگی برای رویارویی نظامی با آمریکا مشاهده نشد. این مسئله نشان داد که اگرچه تهران برای هر دو قدرت شریک راهبردی مهمی محسوب می‌شود اما نه پکن و نه مسکو حاضر نیستند به بهای ورود به جنگی گسترده‌تر، روابط خود با غرب را وارد مرحله‌ای غیر قابل بازگشت کنند.

اروپا

تنش بین ایتالیا و روسیه

وابسته‌های نظامی اخراج شدند

تنش دیپلماتیک بین ایتالیا و روسیه درحالی شدت گرفته که دو کشور وابسته‌های نظامی یکدیگر را اخراج کرده‌اند. وزیر خارجه ایتالیا اعلام کرد، روسیه وابسته نظامی ایتالیا در مسکو و یکی از همکاران این وابسته نظامی ایتالیایی را در اقدامی که به گفته او، انتقام‌جویی آشکار است، اخراج کرد. به گزارش خبرگزاری رویترز، این اقدام باعث شد تا وزارت امور خارجه روسیه نیز اعلام کند که «جیوانی اسکوپا» کاردار موقت ایتالیا را در ارتباط با اخراج کارمندان سفارت روسیه در رم احضار کند.

آنتونیو تاجانی، وزیر امور خارجه ایتالیا در پیامی در ایکس نوشت: «فدراسیون روسیه بدون دلیل وابسته نظامی ما را در مسکو به همراه یکی از همکاران او اخراج کرده است. این تلافی‌جویی آشکار در واکنش به اخراج دو وابسته نظامی روسیه است که بابت فعالیت‌های جاسوسی که علیه امنیت ملی ایتالیاست از ایتالیا بیرون رانده شدند». اخراج دو وابسته نظامی روسیه از ایتالیا در ۹ ژوئیه، حدود دو هفته گذشته، اتفاق افتاد و همان موقع، وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که مسکو واکنشی مقتضی خواهد داشت.

در همین حال، ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری تاس با تأیید اینکه روسیه وابسته نظامی ایتالیا و دستیارش را اخراج می‌کند، تأکید کرد که این اقدام در واکنش به اقدامات آنتونیو تاجانی که اقدام مسکو را اقدامی «تلافی‌جویانه» در برابر اخراج دو دیپلمات روس از رم توصیف کرد، گفت که تاجانی در این ادعا که روسیه بدون دلیل، وابسته نظامی ایتالیا و دستیارش را اخراج کرده، دروغ می‌گوید. روسیه برای نخستین‌بار در چهار سال گذشته یک دیپلمات ایتالیایی را اخراج کرد. این چهارمین مورد از این نوع اخراج در تاریخ روابط روسیه و ایتالیاست. وزارت خارجه روسیه تأکید کرد در تمامی موارد، روسیه این اقدام را به‌عنوان پاسخی متقابل انجام داده است.



گفت که چین و روسیه به‌طور مجانی، بهره‌ای بزرگ و باور نکردنی از این ماجرا خواهند برد. اظهارات صالحی درحالی بیان شد که با تجاوز اسرائیل و آمریکا به خاک ایران در جریان جنگ ۴۰ روزه، دو کشور چین و روسیه خواستار پایان درگیری‌ها بین تهران-واشنگتن شدند. رفتار آنها در طول جنگ و پس از برقراری آتش‌بس نشان داد که پکن و مسکو بیش از آنکه به‌دنبال ورود مستقیم به بحران باشند، تلاش کردند با ترکیبی از حمایت سیاسی، فشار دیپلماتیک و مدیریت هزینه‌های ژئوپلیتیکی از گسترش درگیری جلوگیری کنند. چین در تمام مراحل جنگ، موضعی مبتنی بر دفاع از اصل «حاکمیت ملی» اتخاذ کرد. وزارت خارجه این کشور بارها تأکید کرد که حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران، ناقض تمامیت ارضی این کشور است و خواستار توقف فوری عملیات نظامی و بازگشت همه طرف‌ها به میز مذاکره شد. پکن همچنین مخالفت خود را با هرگونه تلاش برای تغییر نظام سیاسی ایران اعلام کرد و هشدار داد که چنین رویکردی نه‌تنها منطقه



با تضمین‌های دائمی عدم اشاعه هسته‌ای موافقت کند نظیر تصویب پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به بازرسان آژانس دسترسی بیشتری به تأسیسات هسته‌ای می‌دهد. ایران همچنین می‌تواند فتوای رهبر فقید، آیت‌الله علی خامنه‌ای، علیه تسلیحات هسته‌ای را به‌صورت قانون درآورد.

برخورد با چالش‌ها

اسرائیل تنها کشوری نیست که می‌تواند یک توافق صلح میان تهران و واشنگتن را تخریب کند. منافع ایران و همسایگان پیرامونی‌اش در خلیج‌فارس ایجاب می‌کند تا بدوین طرحی مشترک به دهها تنش خود-که با جنگ ۱۳۵۹-۶۷ ایران و عراق آغاز شد و تا امروز به زیان همگان ادامه یافته است- پایان بخشند. این بدان معناست که غرب آسیا باید الگوی امنیتی متکی به برون‌سپاری به قدرت‌های خارجی را کنار بگذارد. تلاش برای برون‌سپاری امنیت به قدرت‌های جهانی نمی‌تواند ایمنی واقعی و چه رسد به ثبات لازم برای توسعه اقتصادی پایدار را به ارمان آورد. در مقابل، کشورهای غرب آسیا باید همگرایی عمیق‌تری را میان خود پایه‌ریزی کنند؛ به‌گونه‌ای که ثبات هر کشور، قوام‌بخش ثبات دیگر کشورها باشد. طرف ایرانی پیش از این چندین رکن بنیادین را برای برپایی چنین نظامی پیشنهاد داده است. در سال ۲۰۲۴ به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور خواستار ایجاد یک گفت‌وگوی نهادینه میان کشورهای منطقه بر مبنای احترام متقابل، عدم مداخله و توافق عدم تعرض شدم. این امر شامل تدابیر اعتمادساز نظیر برنامه‌های کمک بشردوستانه در مناطق درگیری، ابتکارهای مشترک مبارزه با تروریسم و کارزارهای رسانه‌ای مشترک برای ترویج همزیستی خواهد بود. همچنین پیشنهاد ایجاد یک شبکه هسته‌ای منطقه‌ای ازجمله یک کنسرسيوم غنی‌سازی که منحصرأ به کاربردهای صلح‌آمیز علم هسته‌ای اختصاص داشته باشد را مطرح کردم. با توجه به دهه‌ها بی‌اعتمادی و سوءظن در این همسایگی ازجمله در میان برخی از کشورهای غربی و میان آنها و ایران هیچ‌یک از این اقدامات آسان نخواهد بود. اما نیاز نیست، غرب آسیا زندانی گذشته پرتالهای خود باقی بماند. واشنگتن و کشورهای غربی باید پذیرند که ایران یک واقعیت ماندگار در چشم‌انداز منطقه‌ای است و این همسایگی نمی‌تواند با حذف آن به ثبات دست یابد. هم‌زمان ایران باید اعتماد به‌نفس بازبایی شده خود را با گشودن باب مودت به سوی همسایگان همراه کند و تأمین امنیت را علاوه بر بازدارندگی از درجه همکاری‌های مشترک بگیری کند. و جهان باید این واقعیت را بپذیرد که ثبات ماندگار را نه می‌توان از خارج به غرب آسیا تزریق و نه با اعمال فشار بر آن تحمیل کرد. این ثبات باید با اراده و کنشگری ملت‌ها و دولت‌های منطقه شکل بگیرد.

او در ادامه توضیح داد: آمریکا دو رقیب اصلی و جدی برای خود متصور است یکی چین به‌عنوان رقیب عمدتاً اقتصادی و تکنولوژیکی و دیگری روسیه به‌عنوان رقیب نظامی با قدرت تخریبی هسته‌ای بسیار بالا و برای مهار آنها باید از ابزارهای ایدایی، محدودکننده و کم‌هزینه برای خودش استفاده کند مانند محدود کردن مؤثر در دسترسی چین به انرژی حوزه خلیج‌فارس و کاهش تبادل تجاری حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلاری با این حوزه و به تبع آن تقویت پترو دلار (که ابزار قدرتی فوق‌العاده برای آمریکا در عرصه بین‌المللی است) این حربه می‌تواند، فشاری کاری بر چین وارد کند؛ به‌خصوص اگر با انتقال سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های برند چندملیتی نیز همراه باشد و در مورد روسیه هم با پیش‌فرض فوق می‌توان گفت که حلقه فشار دور آن کشور می‌تواند به‌طور مؤثر تنگ‌تر شود.

وزیر امور خارجه پیشین کشور در پایان تصریح کرد: چین و روسیه باید دریابند، جاقویی که ظاهراً آمریکا برای ایران تیز می‌کند، در حقیقت برای چین و روسیه است و اگر قضا یا به‌گونه‌ای پیش برود که به اذن خدا، ایران با دست برتر از این تنش خارج شود، می‌توان

گروه بین‌الملل: فرید زکریا، مجری معروف شبکه سی‌ان‌ان و ستون‌نویس روزنامه واشنگتن‌پست، در یادداشتی برای نشریه آمریکایی فارن‌پالیسی با عنوان «چین هیچ کاری نکرد اما برنده بزرگ جنگ ایران و آمریکا شد؛ چگونه؟» نوشت: درحالی که جنگ ایران و اسرائیل در مقاطع مختلف شدت گرفته سپس فروکش کرده، یک واقعیت بیش از گذشته خودنمایی می‌کند؛ چین بدون شلیک حتی یک گلوله بیشترین منفعت را از این بحران برده است. به اعتقاد فرید زکریا، پکن نه هزینه نظامی پرداخت و نه سرمایه سیاسی خود را خرج کرد اما توانست جایگاه ژئوپلیتیکی، اقتصادی و دیپلماتیک خود را بیش از هر زمان دیگری تقویت کند.

در همین راستا علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه پیشین و رئیس فعلی بنیاد ایران‌شناسی، در گفت‌وگویی با سایت آوش، با بیان اینکه تحلیل فرید زکریا درخصوص نزاع ایران و آمریکا بخشی از حقیقت است و نه تمام آن تصریح کرد: اینکه چین امروز یکی از بهر‌مندان اصلی نزاع ایران و آمریکا در منطقه است، درست است ولی اگر نتیجه نزاع خدای ناکرده عمدتاً به سود آمریکا تمام شود، دیگر آن فرضیه صحیح نخواهد بود.

دیپلماسی

نقشه راه پایان جنگ

تحلیل محمدجواد ظریف که در فارن‌افرز منتشر شد



محمدجواد ظریف، وزیر پیشین امور خارجه با انتشار مقاله‌ای در نشریه فارن‌افرز به بررسی تنش‌های اخیر ایران و آمریکا پس از جنگ ۴۰ روزه پرداخت. در فرازهایی از این مقاله آمده است: ایالات متحده بار دیگر حملات علیه ایران را آغاز کرده است. یادداشت تفاهمی که تهران و واشنگتن، ماه گذشته در سوئیس به آن دست یافتند، پس از هفته‌ها که به مویی بند بود، سرانجام فروپاشی این یادداشت تفاهم جای تعجب ندارد. ایران و ایالات متحده برداشت‌های متفاوتی از مفاد توافق به‌ویژه در مورد تنگه هرمز داشتند. با این وجود، تداوم درگیری نه به نفع ایران است و نه ایالات متحده. ایالات متحده و اسرائیل، درگیری‌های اخیر با ایران را با این فرض آغاز کردند که فشار مستمر می‌تواند، حکومت ایران را وادار به

تسلیم کند یا موجب فروپاشی جمهوری اسلامی شود. اما در عوض، آنها خود را در یک بن‌بست راهبردی گرفتار دیدند. هیچ‌یک از اقدامات آنها ازجمله حملات بی‌سابقه به رهبران سیاسی و نظامی ایران و خسارات قابل‌توجه به زیرساخت‌های آن نتوانست، تهران را وادار به تغییر مسیر کند. تمامیت ارضی و نظام سیاسی ایران پابرجا مانده و تاب‌آوری ملت ایران و ظرفیت آن برای دفاع از حاکمیت خود حتی در دشوارترین شرایط را ثابت کرده است.

قدرت‌های خارجی ناگزیرند این واقعیت و پیامدهای آن را به درستی دریابند. تاب‌آوری ایران در برابر فشارهای مستمر هرگونه تلاش برای حذف تهران از ساختارهای امنیتی آینده در منطقه را بیش از پیش دشوار کرده است.

این جنگ، ایران را ناگزیر کرده که تنگه هرمز را از دریچه امنیت وجودی خود بگذرد. پیش از آغاز جنگ‌های گسترده اخیر در اسفند ماه، ایران عموماً عبور و مرور را تنگه را بدون دخالت تحمل می‌کرد هرچند تحریم‌های آمریکا- با کمک شرکای واشنگتن- به این معنا بود که ایران نمی‌توانست به بسیاری از کالاهایی که از این مسیر عبور می‌کردند، دسترسی داشته باشد. با این وجود، اهرمی که تنگه برای ایران فراهم می‌کند، شکستنده است. تهدید رفت و آمد دریایی توسط ایران می‌تواند، بخش عمده‌ای از جهان را علیه ایران بسیج کند. همچنین بسته ماندن مستمر تنگه به تسریع سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در خطوط لوله، بندار و کریدورهای لجستیکی زمینی، که این آسره را به‌طور کامل دور می‌زند، منجر می‌شود. در صورتی که بازارهای جهانی با موفقیت مسیرهای جایگزین پیدا کنند، ایران دیگر قادر نخواهد بود از امکان بسته شدن تنگه به‌عنوان یک عامل

بازدارنده استفاده کند. از این‌رو تهران باید خویش‌شننداری پیشه کند؛ درست همان‌گونه که دیگر کشورها نیز باید از اقدامات اقتصادی، سیاسی و نظامی که می‌توانند منافع ایران در تنگه را به خطر بیندازند، خودداری کنند. تنگه هرمز همچنان یک نقطه کانونی بحرانی است. اما این تنها منبع تنش میان تهران و واشنگتن نیست. برای توقف درگیری‌ها، ایران و ایالات متحده باید اختلافات گسترده‌تر خود را مدیریت کنند، اهداف هر یک باید واقع‌بینانه باشد، تهران و واشنگتن نمی‌توانند دوست باشند. درگیری‌های اخیر، که در آن آمریکا و اسرائیل مقام معظم رهبری، فرماندهان ارشد و دانش‌آموزان بی‌گناه را قتل‌عام کردند، زخم‌های کهن کشور را عمیق‌تر کرده است. این زخم‌های عمیق نه فراموش و نه بخشیده خواهند شد اما لزوماً نباید به ادامه درگیری یا تشدید تنش منجر شوند. رمز موفقیت در این نهفته است که اطمینان یابیم در تعاملات دیپلماتیک آینده برخلاف گذشته، اختلافات به‌گونه‌ای واقع‌بینانه تدبیر می‌شوند. برخی از اختلافات ایران و آمریکا بنیادین و هویتی هستند و باید در گفت‌وگوی شفاف مشخص شوند. برخی



دیگر ناشی از سوءظن‌های متقابل پیرامون منافع تاکتیکی مشترک هستند که مانع هرگونه همکاری تاکتیکی شده است. موارد دیگر شامل موضوعات سیاسی قابل مذاکره هستند که برای توافق راهبردی مناسب‌اند. هرگونه ترتیبات امنیتی واقع‌بینانه میان ایران و ایالات متحده در نهایت نیازمند تدوین یک چارچوب عدم تعرض متقابل است تا اطمینان حاصل شود که اختلافات هویتی به برخورد و خشونت نخواهند انجامید. ایالات متحده باید تمامیت ارضی ایران را به‌رسمیت بشناسد، ایران و نهادهای آن را از فهرست‌های تروریستی خارج کند و تمامی تحریم‌ها را به‌طور دائم لغو نماید. واشنگتن همچنین باید متعهد شود که در بازسازی ویرانی‌های ناشی از تجاوز مشارکت کند همان‌طور که در یادداشت تفاهم با ایجاد یک صندوق سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری برای کشور وعده داده بود. در مقابل، ایران می‌تواند

گزارش نشست

موقعیت مبهم رقابی

رونمایی و بررسی کتاب مرا ببوس



نشست عصر یک‌شنبه‌های بخارا، یک‌شنبه این هفته با محوریت رونمایی و بررسی کتاب «مرا ببوس»، زندگی و سروده‌های حیدر رقابی» پژوهش تازه کامیار عابدی که در نشر مروارید منتشر شده، برگزار شد. در این نشست، علی دهباشی، میرعلیرضا میرعلی‌نقی و کامیار عابدی درباره جایگاه ادبی و تاریخی حیدر رقابی، نسبت او با نهضت ملی شدن نفت، روایت‌های شکل‌گرفته پیرامون ترانه «مرا ببوس» و نیز موقعیت مغفول او در تاریخ ادبیات معاصر سخن گفتند. علی دهباشی در آغاز با اشاره به اهمیت انتشار این کتاب، گفت: «سال‌ها درباره حیدر رقابی مطالب بسیاری در مطبوعات منتشر شده بود، اما بخش عمده‌ای از این نوشته‌ها بر پایه روایت‌های شفاهی یا نقل‌های غیرمستند شکل گرفته بود که معلوم نبود تا چه اندازه بر واقعیت استوار است. به‌ویژه درباره ترانه «مرا ببوس»، روایت‌های مختلفی شکل گرفت که گاه رنگ و بوی سیاسی هم پیدا می‌کرد و هر جریان سیاسی تلاش می‌کرد این اثر را به‌نفع خود تفسیر کند. این وضعیت، ضرورت انجام پژوهشی مستند را دوچندان کرده بود و کتاب کامیار عابدی توانسته است چنین خلأیی را پر کند».

پس از آن، میرعلیرضا میرعلی‌نقی، پژوهش‌گر موسیقی و تاریخ فرهنگ معاصر، سخنان خود را با اشاره به دوستی دیرینه‌اش با کامیار عابدی آغاز کرد و گفت هرچند فرصت مطالعه کامل کتاب را نداشته، اما فهرست مطالب آن نشان می‌دهد که با اثری متفاوت روبه‌رو هستیم». او حیدر رقابی را یکی از معدود شاعران وابسته به جبهه ملی دانست و گفت: «حیدر رقابی از معدود شاعرانی بود که به جبهه ملی ایران تعلق داشت؛ جریانی که برخلاف بسیاری از گرایش‌های رایج آن دوره، وابستگی ایدئولوژیک به قدرت‌های خارجی نداشت. مهاجرت زود هنگام رقابی و فضای غالب فرهنگی دهه‌های بعد باعث شد نام او به تدریج از حافظه ادبی ایران حذف شود».

احیای میراث حیدر رقابی

میرعلی‌نقی با انتقاد از گسترش روایت‌های غیرمستند درباره ترانه «مرا ببوس» گفت: «درباره این ترانه روایت‌های فراوانی نقل شده، اما بسیاری از آن‌ها بر پایه اسناد تاریخی نیستند. اگر امروز بخواهیم درباره آن سخن بگوییم، باید به منابع دست اول رجوع کنیم، نه به افسانه‌هایی که طی دهه‌ها ساخته شده‌اند. ارزش کتاب کامیار عابدی در همین نکته است که تلاش می‌کند مرز میان افسانه و واقعیت را روشن کند. از رقابی کتاب منسجمی در اختیار نداشتیم و آثار او سال‌ها به صورت پراکنده باقی مانده بود. این کتاب فقط یک زندگی‌نامه نیست بلکه احیای بخشی از میراث ادبی اوست».

حیدر رقابی، میرزاده عشقی جوان

کامیار عابدی نیز در این نشست گفت: «انتشار این کتاب نتیجه سال‌ها گردآوری اسناد و منابع پراکنده درباره حیدر رقابی است. هنگام آغاز پژوهش، اطلاعات موجود درباره رقابی بسیار اندک و پراکنده بود و بسیاری از روایت‌های رایج نیز با اسناد تاریخی همخوانی نداشت و این کتاب تلاشی است برای معرفی دوباره شاعری که روزگاری شناخته‌شده بود، اما به تدریج از حافظه فرهنگی ما فاصله گرفت. کوشیده‌ام بدون داوری و جانبداری، تصویری مستند از زندگی و آثار او ارائه کنم».

به گفته عابدی، رقابی از معدود شاعرانی بود که تا پایان عمر بر گرایش ملی خود باقی ماند؛ موضوعی که در فضای ادبی دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ استننا محسوب می‌شد و افزود: «بخش بزرگی از شاعران آن دوره، به درجات مختلف، تحت‌تأثیر اندیشه‌های چپ قرار گرفتند، اما رقابی از معدود شاعرانی بود که در کنار جریان ملی باقی ماند». یکی از مهم‌ترین بخش‌های کتاب، گردآوری همه شعرهای سیاسی حیدر رقابی است؛ شعرهایی که به گفته عابدی، در دو دفتر کوچک و بسیار نایاب منتشر شده بودند. او در این باره گفت: «از صفحه ۱۰۲ تا ۱۸۴ کتاب، همه شعرهای سیاسی رقابی را گرد آورده‌ام؛ شعرهایی که لحظه‌به‌لحظه وقایع سال‌های نهضت ملی شدن نفت را ثبت می‌کنند. ممکن است امروز بگوییم برخی از این شعرها از نظر هنری آثار بزرگی نیستند، اما از نظر تاریخی بسیار ارزشمندند؛ زیرا فضای سیاسی سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۱ را از نگاه شاعری جوان و در متن حوادث ثبت کرده‌اند». عابدی معتقد است اگر امروز بخواهیم رقابی را بشناسیم، باید او را در متن تحولات سیاسی دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ قرار دهیم؛ دوره‌ای که شعر، سیاست و روزنامه‌نگاری بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر گره خورده بودند. او در ادامه عنوان کرد که زبان تند، لحن اعتراضی و واکنش سریع رقابی به رخداد های سیاسی، بیش از هر شاعر دیگری یادآور شعرهای عشقی است. عابدی به شعرهایی اشاره کرد که رقابی برای ژانت مسعود، دختر محمد مسعود، و نیز احمد دهقان، روزنامه‌نگار شناخته‌شده آن دوره، سروده بود و آن‌ها را نشانه‌ای از پیوند نزدیک شاعر با فضای سیاسی و مطبوعاتی زمان خود دانست.

به یاد جنوب

برگزاری اختتامیه نهمین دوره کتاب سال سینمای ایران

اختتامیه نهمین دوره کتاب سال سینمای ایران عصر دوشنبه ۲۹ تیر با حضور جمعی از سینماگران، نویسندگان، مترجمان و پژوهش‌گران و اجرای احسان عبدی‌پور در سالن سیف‌الله داد خانه سینما برگزار شد.

در ابتدای این مراسم، مژده حسینی و سردار سرمست دو نوازنده جوان، دقایقی به اجرای برنامه موسیقی پرداختند. پس از آن رامتین شهبازی، دبیر نهمین جایزه کتاب سال سینمای ایران، گفت: «این روزها هر زمان رویدادی برگزار می‌شود، نمی‌توان جنگ رمضان، اسفند ماه و تعدی رژیم صهیونیستی و آمریکایی و امتداد آن در جنوب ایران عزیز را از یاد برد. با این حال، زندگی ادامه دارد و امروز به احترام کتاب کنار یکدیگر جمع شده‌ایم. من سینما را از دل سینما و کتاب آموخه‌ام؛ از کتاب‌هایی که استادان گران‌قدری نوشته‌اند و به همین دلیل همواره برای آنان احترام ویژه‌ای قائل هستم». او با اشاره به برگزاری دوباره این رویداد افزود: «جایزه کتاب سال سینمای ایران از سال ۱۳۹۷ برگزار نشده بود و امسال با همت همایون اسعدیان و فرهاد توحیدی، نهمین دوره آن برگزار شد و مسئولیت دبیری این دوره نیز

به من سپرده شد». شهبازی سپس درباره آثار راه یافته به این دوره گفت: «در این دوره، کتاب‌های منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ مورد ارزیابی قرار گرفتند. در مجموع، ۱۴۵ عنوان کتاب شامل ۳۹ اثر تألیفی و ۱۰۶ اثر ترجمه از سوی ۲۸ ناشر بررسی و داوری شد. از همه همکاران در خانه سینما و همچنین ناشرین مخفم، امیررضا نوری‌پرو، شهاب‌الدین عادل، مهرزاد دانش و شادمهر راستین که مسئولیت

ادامه تیتیر یک

حذف یک صدا

ماجرا چیست؟

برنامه عادل فردوسی‌پور با حضور علی دایی و کریم باقری، تبدیل به یک برنامه بسیار پربازدید و جنجالی شد. در این برنامه، مثل بسیاری دیگر از برنامه‌های ورزشی ساخته‌شده در کوران جام جهانی، حذف تیم ملی، عملکرد آن و مهم‌تر از همه، رفتار تهاجمی بازیکنان و عوامل تیم مورد نقد قرار گرفت. این انتقادات، بازتاب گسترده‌تری نسبت به سایر واکنش‌ها داشت و امیر قلعه‌نویی را واداشت تا در مصاحبه‌ای هم‌زمان با جلسه‌اش با معاونت فرهنگی فدراسیون فوتبال، از مسئولان بخواهد تریبون منتقدان -منظورش عادل فردوسی‌پور- را ببندند. جالب اینجاست که خداداد عزیزی، ساعتی بعد در یک برنامه اینترنتی خطاب به قلعه‌نویی گفت: «نمی‌توانید تریبون را از من بگیرید اما اگر منظور آن عادل فردوسی‌پور است، می‌توانید از طریق ساترا جلوی برنامه‌اش را بگیرید. شما که آشنا دارید...» تنها ساعتی پس از این اظهارات، پلتفرم فوتبال ۳۶۰ از دسترس خارج شد؛ موضوعی که در روزهای شلوغ خبری، برای ساعتی فضای مجازی را تسخیر کرد و به بحث اول تبدیل شد.

چرا اهمیت دارد؟

درست زمانی که امیر قلعه‌نویی به شبکه سه رفته بود تا ساعت‌ها به توجیه مشکلات تیم ملی و پاسخ به انتقادات بپردازد، عادل فردوسی‌پور در پخش زنده اعلام کرد سایت‌اش از دسترس خارج شده است. عادل که آن شب از فشار و ناراحتی اشک ریخت، گفت: «چرا نمی‌گذارید کار کنم؟» او به سرگذشت برنامه ۹۰ و سپس فوتبال ۳۶۰ اشاره کرد؛ برنامه اول را مدیر شبکه سه تعطیل کرد و دومی هم معلوم نیست

ارزیابی و داوری آثار این دوره را برعهده داشتند، صمیمانه سیاست‌گزارم. اعضای هیأت داوران حتی در روزهای جنگ نیز ۱۴۵ کتاب را با دقت مطالعه و ارزیابی کردند».

گلایه مترجم پیشکسوت از وضعیت نشر

در ادامه با حضور همایون اسعدیان، مدیرعامل و فرهاد توحیدی مشاور فرهنگی خانه سینما از حمیدرضا احمدی‌لاری، نویسنده و مترجم پیشکسوت حوزه تألیف و ترجمه کتاب‌های سینمایی تجلیل شد.

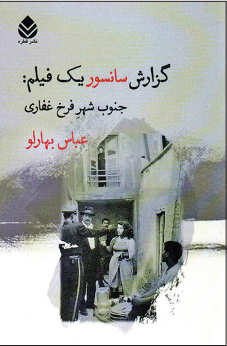
احمدی لاری پس از دریافت لوح و تندیس گفت: «حدود یک دهه پیش همین جایزه را با عنوان «قلم زرین» دریافت کردم. آن زمان به عنوان یک مترجم هشدار دادم تیراژ ۲ هزار نسخه‌ای کتاب برای جمعیت ۸۰ میلیونی ایران مایه شرمساری است اما امروز احساس می‌کنم همان دوران نیز شرایط بهتری داشت. گویی در دلالتی تاریک گرفتار شده‌ایم و هر لحظه از نور دورتر می‌شویم. متأسفانه این تنزل را در بسیاری از عرصه‌های زندگی فرهنگی و اجتماعی می‌بینیم و با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم.

با این حال، امروز می‌توان بسیاری از فیلم‌های مستند را در کوچه‌ها و معابر شهر دید و به گمان من همین اتفاق‌ها روزنه‌ای برای نفس کشیدن هستند و همین لحظه‌ها باعث می‌شوند احساس کنم هنوز زنده هستم. از لطفی که در حق من داشتید، سیاست‌گزارم. سینما و فعالیت در حوزه نوشتن و ترجمه، لحظاتی را برای ما رقم می‌زند که در آن احساس می‌کنیم واقعاً در حال زندگی کردن هستیم».

برگزیدگان نهمین دوره

در ادامه این مراسم، کلیپی از روند داوری و ارزیابی آثار راه‌یافته به نهمین دوره جایزه کتاب سال سینمای ایران برای حاضران به نمایش درآمد و پس از داستان‌خوانی احسان عبدی‌پور، اهدای جوایز نهمین دوره کتاب سال سینمای ایران در سه بخش تألیف، ترجمه و فنی انجام شد.

در ابتدای این بخش و با حضور مهرزاد دانش، محمد آلا‌پوش و بهرام دهقانی، جایزه بهترین کتاب فنی سینما به مرتضی دهنوی برای ترجمه «طراحی صدا برای فیلم» نوشته تیم هریسون اهدا شد. دهنوی پس از دریافت جایزه گفت: «پیش از این به‌عنوان صدابردار در سینما فعالیت می‌کردم و پس از آن وارد حوزه تدریس، تألیف و ترجمه شدم. پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، داوطلبانه برای خدمت به زاهدان رفتم و از آنجا برای مأموریتی به خاش اعزام شدم. تا آن زمان با بسیاری از تجهیزات صدابرداری آشنایی نداشتم و همان‌جا متوجه شدم چیزهای زیادی برای یاد گرفتن وجود دارد. به همین دلیل برای شرکت‌های بزرگ تولیدکننده تجهیزات



به دستور کدام نهاد از دسترس خارج شد.

نکته مهم این است که سرمربی تیم ملی می‌تواند تنها با چند جمله، باعث تعطیلی یک پلتفرم شود؛ اتفاقی که بار دیگر شرایط دشوار فضای رقابتی برنامه‌سازی را نشان می‌دهد. فردوسی‌پور بی‌تردید یکی از محبوب‌ترین چهره‌های رسانه‌ای ایران است و آنچه دوشنبه‌شب رخ داد، او را بار دیگر در کانون خبرها قرار داد. حتی بسیاری از کسانی که علاقه‌ای به فوتبال نداشتند و شاید مخاطب برنامه نود هم نبودند، پس از این ماجرا به مخاطبان او بدل شدند. شاید به همین دلیل است که قرارداد تبلیغاتی فوتبال ۳۶۰ چندین برابر پرهزینه‌ترین برنامه‌های ورزشی و غیرورزشی تلویزیون است. فردوسی‌پور در مدت کوتاهی که پلتفرم جدیدش را راه انداخت، با حضور چهره‌هایی چون علی دایی، همایون شجریان و پژمان جمشیدی، آن را به یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های ورزشی تبدیل کرد. حالا برخی از مخالفانش می‌خواهند برنامه‌اش را تعطیل، یا به تعبیر حامیاناش «صدایش را خاموش» کنند. آیا موفق خواهند شد؟

پیشینه ماجرا به کجا بازمی‌گردد؟

هرچند به‌نظر می‌رسید، مسدودسازی پلتفرم ۳۶۰ توسط ساترا انجام شده و سرمربی تیم ملی -همان‌طور که خداداد عزیزی گفت- آن قدر نفوذ دارد که تنها با چند جمله بتواند یک برنامه را تعطیل کند، اما خبرگزاری ایرنا در گزارشی نوشت مسئولان ساترا این موضوع را رد کرده‌اند. مدیران ساترا اعلام کرده‌اند این پلتفرم مجبوزش را از معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد گرفته و هیچ گزارش تخلفی از این پلتفرم به این نهاد ارسال نشده است. با این حال هنوز هیچ نهاد رسمی دلیل مسدود شدن فوتبال ۳۶۰ را اعلام نکرده است. برخی رسانه‌ها تعطیلی این پلتفرم



یادداشت: تلویزیون

بازنده بزرگ جام جهانی

تلویزیون؛ آخرین سنگری که توسط ماهواره و اینترنت فتح شد

امید ذاکری‌نیا

جام جهانی فوتبال به پایان رسید و اکنون می‌توان درباره آنچه در این زمان و در ارتباط با مسابقات در ایران گذشت و شکست‌ها و بردها به تحلیل رسید. بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین بازندگان این دوره از رقابت‌های جام جهانی، تلویزیون یا همان رسانه به‌اصطلاح ملی بود. در واقع آخرین سنگری که تلویزیون برای جذب مخاطبان پرتعداد داشت، در جام جهانی ۲۰۲۶ نیز فتح شد تا عملاً این مجموعه عریض و طویل، یک شکست بزرگ را تجربه کند. در سال‌ها و ادوار قبل، تلویزیون ایران از یک رانت ویژه برای جذب مخاطبان استفاده می‌کرد. این رسانه در حالی که مخاطب ایرانی، دسترسی فراگیر و آسان به تماشای مسابقات فوتبال نداشت، به اجبار به سراغ تلویزیون می‌آمد. تلویزیون هم شاید امتیاز پخش مسابقاتی مثل جام جهانی را به اجبار می‌خرید اما بسیاری از مسابقات مهم فوتبال جهان مانند لیگ قهرمانان اروپا و جام ملت‌های اروپا و آمریکای جنوبی و لیگ‌های معتبر فوتبال جهان را بدون مجوز و خرید حق‌پخش روی آنتن می‌برد و در کنارش به تولید برنامه و محتوا می‌پرداخت. طبیعی بود که در یک حضور مخاطبان پای تلویزیون، تبلیغات و آگهی‌های گسترده به سمت بخش بازرگانی سازمان هجوم بیاورند. در این دوره اما شرایط به‌طور کلی از دست و انحصار تلویزیون خارج شد. شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان که تعدادشان اصلاً کم نبود، اقدام به پخش مسابقات کردند، آن‌هم بدون سانسورهای اعصاب خردکن تلویزیون و تصاویر نامربوطی که در زمان پخش بازی، توسط سانسورچی‌ها به مسابقه تحمیل می‌شود... علاوه بر اینکه علاقه‌مندان به فوتبال، توانستند مسابقات را با تمام حواشی و اتفاقاتی که تمام مخاطبان دنیا به آن دسترسی داشتند، ببینند، برخی از این شبکه‌ها از چهره‌های مطرح فوتبال ایران، به‌عنوان کارشناس در ویزه برنامه‌هایشان استفاده کردند. اما این شبکه‌ها تمام ماجرا نبودند؛ پلنفرم‌های آنلاین نیز اقدام به پخش زنده مسابقات با گزارشگران فارسی‌زبان کردند و این عملاً کار کسانی که بسیاری از مسابقات را با گوشی موبایل می‌دیدند، تا حدودی راحت کرد و تلویزیون آرام‌آرام مخاطبانش را از دست داد.

شروع برنامه‌های تلویزیونی به‌خصوص اصلی‌ترین برنامه شبکه سه درباره جام جهانی، با حواشی و جنجال‌هایی همراه بود و تا حدودی در ریزش مخاطب این رسانه تأثیر گذاشت. در همان برنامه‌های ابتدایی، محمدحسین میناقی با ادبیاتی بسیار تند و توهین‌آمیز، به مخالفان و منتقدان این تیم ملی حمله کرد و با اتهاماتی چون وطن‌فروش، جنگی عجیب را آغاز کرد. جنگی که در نهایت این تلویزیون و اندک اعتبار باقی‌مانده‌اش را نیز کاملاً از بین برد. این اتفاقات، مخاطبان را هرچه بیشتر به سوی پلنفرم‌های تازه‌تری سوق داد که از هر نظر بر تلویزیون برتری داشتند. تلویزیونی که حتی در حال حاضر دیگر بهترین گزارشگرها نیز در آن نیستند؛ عادل فردوسی‌پور که در آنتن و فوتبال ۳۶۰ گزارش می‌کرد، مزدک میرزایی که به اینترنت‌شنال رفته، پیمان یوسفی کنار گذاشته شده و حتی جواد خیابانی هم از تلویزیون جدا شد. اتفاقی که باعث شد حتی از این نظر نیز پلنفرم‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای که فردوسی‌پور و مجید وارث را داشتند، برتری داشته باشند. حتی بسیاری از گزارشگران در این دوران، کار کردن با جایی غیر از تلویزیون را ترجیح دادند. دلیل آن هم واضح است؛ چراکه آنها به‌دنبال مخاطبان بیشتر هستند و صداوسیما از این نظر در موضع ضعف قرار دارد. صداوسیمای ایران یک مجموعه بسیار بزرگ است که اگر بخواهید همه آن را در یک روز ببینید، باید ماشین کرایه کنید اما این مجموعه بزرگ با بودجه‌ای حدود ۳۰ هزار میلیارد و مونوپول بسیاری چیزها ازجمله تبلیغات و پخش مسابقات پرطرفدار فوتبال و دیگر ورزش‌های داخلی، اکنون یک رسانه کاملاً ورشکسته است. واقعیت این است که اگر سال‌های قبل نیز این موقعیت برای مخاطبان وجود داشت که بتوانند به‌راحتی و در ابعاد گسترده، مسابقات را بدون سانسور و مزاحمت‌های گاه و بیگاه تصویری تماشا کنند، شاید وضعیت تلویزیون از آنچه امروز هست، بغرنج‌تر می‌شد یا این ورشکستگی زودتر رخ می‌داد. اما این اتفاقات یک هشدار بزرگ هم به رسانه به‌اصطلاح ملی بود. شبکه‌های ماهواره‌ای می‌توانند با همان روشی که تلویزیون در سال‌های قبل گروه مخاطبان بزرگ را جذب می‌کرد، باقی‌مانده مخاطبان آن را نیز بگیرند. این احتمال وجود دارد که پخش مسابقات جام جهانی یک آزمون موفق برای شبکه‌های ماهواره‌ای و پلنفرم‌های اینترنتی بود و اگر چنین روندی را ادامه داده و در پخش مسابقات ورزشی مهم مانند بازی‌های باشگاهی در لیگ‌های اروپایی و حتی فوتبال باشگاهی ایران و لیگ‌برتر برنامه‌ای شبیه جام جهانی داشته باشند، آن‌وقت از تلویزیون چه باقی خواهد ماند؟



کاپل‌هوف، نظریه‌پرداز آلمانی، آشنا شدم. او در این کتاب از مفهوم سینما به مثابه فضای عمومی سخن می‌گوید؛ مفهومی که به من کمک کرد دوری از فضای جشنواره‌ها را بهتر درک کنم. به باور کاپل‌هوف، سینما به دلیل شیوه عرضه خود، یک فضای عمومی است؛ زیرا مخاطبان را در یک تجربه مشترک سهیم می‌کند. جشنواره‌ها و هفته‌های فیلم نیز چنین کارکردی دارند و فرصتی برای شکل‌گیری این تجربه جمعی فراهم می‌کنند. زمانی که سالن سینما کارکرد طردکننده پیدا کند، این تجربه مشترک نیز از میان می‌رود. او همچنین معتقد است زندگی جاری در فیلم، خود نوعی تجربه مشترک است که مخاطبان را وارد تجربه‌ای روحی و جمعی می‌کند و از این طریق، افرادی که فیلم‌های مشترکی را دوست دارند به‌نوعی اجتماع فرهنگی تبدیل می‌شوند». «نشر بان» نیز به‌عنوان ناشر برگزیده نهمین جایزه کتاب سال سینمای ایران به انتخاب هیأت داوران مورد تقدیر قرار گرفت و همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما در سخنانی گفت: «همه ما در شرایط دشواری به سر می‌بریم. دائماً نگران این مراسم بودم اما حضور صمیمانه شما در شرایطی که جامعه دچار نوعی افسردگی و ناامیدی است، باعث خرسندی بود و نشان داد همچنان می‌توان کارهایی را انجام داد».

در تاریخ سینمای کشور سخن گفت. پس از آن با حضور نازنین مفخم، شهاب‌الدین عادل و امیراثباتی، جایزه بهترین ترجمه برای ترجمه کتاب «روایت و روایتگری» نوشته وارن باکلند به نوید پورمحمدرضا اهدا شد و امیراثباتی طراح صحنه پیشکسوت سینما، با آرزوی برگزاری دوره بعدی این رویداد در شرایطی آرام گفت: «امیدوارم سال آینده در فضایی به دور از جنگ، شاهد برگزاری دوباره این جشن باشیم». نوید پورمحمدرضا نیز پس از دریافت جایزه بهترین ترجمه، گفت: «از هیأت داوران بسیار سپاس‌گزارم و خوش‌حالم که این اثر برگزیده شد. البته معتقدم هر سه اثر نامزدشده، شایستگی دریافت این جایزه را داشتند. همچنین از ناشرانی که در حوزه انتشار کتاب‌های سینمایی فعالیت می‌کنند، قدردانی می‌کنم. ترجمه متون نظری و مطالعات فیلم می‌تواند لذتی متفاوت برای نگاه کردن به خودمان باشد. نویسنده‌ای با استفاده از مفاهیم، مثال‌ها و تجربه‌هایش اثری را خلق می‌کند و من خواننده می‌توانم از آن برای شناخت بهتر خود و موقعیت بهره بگیرم. سینما مدیوم عجیبی است و ترجمه در این حوزه، حکم یک نمای لانگ‌شات را دارد که امکان دیدن تصویری گسترده‌تر را فراهم می‌کند. حدود دو سال پیش با کتابی از هرمان

صدابرداری نامه نوشتم و از آن‌ها درخواست منابع آموزشی کردم. به‌تدریج کتاب‌ها، کاتالوگ‌ها و اطلاعات مربوط به تجهیزات مختلف برایم ارسال شد و همان‌ها مسیر یادگیری مرا شکل داد. پس از دو سال به تهران منتقل شدم و از سال ۱۳۶۳ تدریس را آغاز کردم. پس از آن نیز به نگارش، تألیف و ترجمه کتاب‌هایی در حوزه صدابرداری پرداختم». در ادامه بهمن فرمان‌آرا، عباس بهارلو نویسنده کتاب «گزارش سانسوریک فیلم: جنوب شهر فرخ غفاری» از نشر قطره را به عنوان برگزیده بخش بهترین تألیف اعلام کرد. فرمان‌آرا در سخنانی گفت: «این کتاب را نخوانده‌ام اما می‌دانم درباره فیلم «جنوب شهر» ساخته فرخ غفاری است؛ فیلمی که سال‌ها در توقیف بود. فرخ غفاری از دوستان قدیمی من بود و یکی از دلایل توقیف این فیلم، روایت آن از زندگی در جنوب شهر بود، چراکه بسیاری از مدیران اداره فرهنگ و هنر وقت، برای خوش‌گذرانی مشتریان این مناطق بودند». با حضور شادمهر راستین و امیررضا نوری‌پرتو، جایزه این بخش به عباس بهارلو اهدا شد و بهارلو پس از دریافت جایزه از فرخ غفاری و عبدالقرب شجاعی به‌عنوان دو تن از پیشکسوتان و چهره‌های تأثیرگذار سینمای ایران یاد کرد و از نقش آنان

را به مصاحبه با علیرضا فغانی مرتبط دانسته‌اند، هرچند بیشترین گمانه‌زنی‌ها همچنان متوجه امیر قلعه‌نویی و فدراسیون فوتبال است. دشمنی قلعه‌نویی و فردوسی‌پور موضوع تازه‌ای نیست. ریشه آن به دورانی برمی‌گردد که قلعه‌نویی هدایت استقلال را برعهده داشت و سپس در سال ۲۰۰۷ به نیمکت تیم ملی رسید. در آن زمان عادل چهره اول تلویزیون بود و با وجود محبوبیت و نفوذ اجتماعی‌اش، توانست پس از حذف تیم ملی از جام ملت‌های آسیا، اخراج قلعه‌نویی را با یک ویزه برنامه تسهیل کند. اما امروز شرایط کاملاً تغییر کرده و این سرمربی تیم ملی است که قدرت اجرایی و تخریبی بیشتری دارد؛ نتیجه‌اش هم تعطیلی فوتبال ۳۶۰.

چه کسانی درگیرند؟

نقش‌های اول این ماجرا شاید به‌ظاهر عادل فردوسی‌پور و امیر قلعه‌نویی باشند، اما این تمام داستان نیست. قلعه‌نویی دوشنبه‌شب در برنامه فوتبال برتر تلاش کرد با اظهاراتش خداداد عزیزی، حمید استیلی و بسیاری از منتقدانش را از عادل جدا کند تا موضع خود را تقویت کند. علی دایی نیز یکی از چهره‌های این منازعه است؛ او مانند کریم باقری و بسیاری از چهره‌های مطرح دیگر، مدتی است عملاً در تلویزیون حضور ندارد. دایی در این سال‌ها، به‌شدت هدف حملات برخی رسانه‌های خاص بوده، اما با وجود دوری طولانی‌مدتش از فوتبال، محبوبیتش به‌طرز چشمگیری افزایش یافته است.

خداداد عزیزی که پیش‌تر نقدهای تندی به تیم ملی داشت، این‌بار با آن جمله درباره ساترا نقش متفاوت‌تری پیدا کرد. جالب اینجاست که حتی در فضاهای اینترنتی که عملاً حامی قلعه‌نویی بودند، جلوی انتقاد چهره‌های مطرحی مانند جواد نکونام یا پیروز قربانی گرفته نشد. به‌نظر می‌رسد این تازه آغاز ماجراست و کم‌کم پای چهره‌های بیشتری به داستان باز خواهد شد؛ روندی که می‌تواند به قطب‌بندی جدی‌تر و یارگیری قوی‌تر در دو سو منجر شود. یک بازیگر اصلی دیگر نیز وجود دارد: تلویزیون. رسانه‌ای که در این جام جهانی حتی مخاطبان اجباری تماشای مسابقاتش نیز به‌طرز چشمگیری کاهش یافتند.

شواهد چه می‌گوید؟

شواهد نشان می‌دهد با وجود خوش‌بینی اندکی که درباره ورود هوای تازه‌تر به فضای رسانه‌ای، از طریق پلنفرم‌های خصوصی و فضای اینترنتی احساس می‌شد، ساتور سانسور همچنان با قدرت در حال انجام وظایف خود است. بسته شدن فوتبال ۳۶۰ بار دیگر یادآور این نکته بود که فراتر از قانون، این سلاقی و میزان قدرت افراد است که تعیین‌کننده‌اند. اگر تا دیروز مسائل سیاسی و عقیدتی خط قرمزهای اصلی محسوب می‌شدند، اتفاقات اخیر نشان داد این خطوط قرمز می‌تواند تا جزئی‌ترین مسائل، مانند انتقاد از یک مربی یا عملکرد تیم ملی، گسترش یابد؛ نشانه‌ای دیگر از عمق دشواری کار در فضای رسانه‌ای.

اختلاف بر سر چیست؟

اختلاف‌ها اکنون به اوج خود رسیده‌اند، در حالی که به گفته رئیس فدراسیون فوتبال، قرار است امیر قلعه‌نویی تا پایان جام ملت‌های آسیا روی نیمکت تیم ملی بماند؛ موضوعی که



پیش‌بینی و تحلیل روزنامه

حسینیه شماره ۱
جمالان

مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان

سخنران:
حجت‌الاسلام والمسلمین رستگاری
مداح:
حاج محمدحسین پویانفر

زمان:
چهارشنبه ۳۱ تیرماه، ساعت ۱۷:۳۰

پیش‌بینی و تحلیل روزنامه

سال نهم شماره ۲۲۸۵
چهارشنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۵



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بازگشت خریداران

کدام گروه‌ها پیش‌ران‌های رشد بازار شدند؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد
پورس تهران پس از چند روز پرنوسان، دیروز را با تصویری متفاوت به پایان رساند. تصویری که در آن صف‌های فروش جای خود را به صف‌های خرید دادند، پول حقیقی دوباره به بازار بازگشت و سهم‌های کوچک و متوسط پشتتاز رشد شدند. هرچند توقف گسترده نمادها به دلیل برگزاری مجامع سالانه از عمق و گستره معاملات کاسته بود اما قدرت تقاضا در نمادهای فعال به اندازه‌ای بود که شاخص‌های اصلی بازار رشد قابل‌توجهی را ثبت کردند. اکنون پرسش اصلی این است که آیا این موج تقاضا آغاز یک بازگشت پایدار است یا تنها واکنشی موقت به افت‌های سنگین هفته‌های گذشته؟ دیروز معاملات با برتری قاطع خریداران به پایان رسید. در پایان بازار، شاخص کل با افزایش ۷۴ هزار و ۴۶ واحدی معادل ۱.۵۴ درصد، در سطح چهار میلیون و ۸۸۷ هزار واحد قرار گرفت. شاخص هم‌وزن نیز ۲۶ هزار و ۵۰۹ واحد معادل ۲۰۰۱ درصد رشد کرد و به ارتفاع یک میلیون و ۳۴۶ هزار واحد رسید. رشد بیشتر شاخص هم‌وزن نسبت به شاخص کل نشان می‌دهد که تقاضا تنها به نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز محدود نبود و بخش قابل‌توجهی از سهم‌های کوچک و متوسط نیز با استقبال خریداران مواجه شدند. این‌ موضوع را می‌توان یکی از ویژگی‌های مثبت معاملات روز شنبه دانست؛ زیرا افزایش شاخص هم‌وزن معمولاً تصویر دقیق‌تری از وضعیت عمومی بازار و عملکرد بخش بزرگ‌تری از شرکت‌ها ارائه می‌دهد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات این روز، توقف تعداد زیادی از نمادها به دلیل برگزاری مجامع عمومی عادی سالانه بود. مطابق روال هر سال در روزهای پایانی تیرماه بسیاری از شرکت‌ها برای برگزاری مجمع، تقسیم سود و تصویب صورت‌های مالی از تابلو معاملات خارج می‌شوند. امسال نیز توقف گسترده نمادها باعث شد، بخش بزرگی از بازار امکان معامله نداشته باشد. این وضعیت از یک‌سو ارزش معاملات را کاهش داد و از سوی دیگر اثر رشد قیمت‌ها بر شاخص کل را محدود کرد. با وجود این بسیاری از نمادهای فعال با صف خرید یا افزایش قابل‌توجه قیمت روبه‌رو شدند. از این منظر می‌توان گفت، دامنه تقاضا در بازار بیش از آن چیزی بود که تغییرات شاخص کل نشان می‌داد. البته نمی‌توان با قطعیت گفت در صورت باز بودن نمادهای متوقف، شاخص رشد بیشتری ثبت می‌کرد؛ زیرا بازگشایی شرکت‌ها پس از مجمع می‌تواند بسته به میزان سود تقسیمی و شرایط بازار، آثار متفاوتی بر شاخص داشته باشد. آمارهای پایانی معاملات نیز برتری کامل تقاضا را تأیید می‌کند. در پایان بازار ۶۰۰ نماد در محدوده مثبت قرار گرفتند و تنها ۳۵ نماد با کاهش قیمت به کار خود پایان دادند. نسبت بالای نمادهای مثبت به منفی نشان می‌دهد که ضایا صعودی تقریباً همه گروه‌های فعال بازار را دربر گرفته بود و رشد شاخص‌ها صرفاً حاصل تحرک چند سهم بزرگ نبود. تعداد صف‌های خرید نیز به ۴۸۳ نماد رسید، درحالی که تنها ۱۳ نماد در صف فروش باقی ماندند. در بخش سفارش‌ها، ارزش سفارش‌های خرید به ۹ هزار و ۳۴۲ میلیارد تومان رسید اما ارزش سفارش‌های فروش تنها حدود ۵۰۰ میلیارد تومان بود. این فاصله چشمگیر میان سفارش‌های خرید و فروش از غلبه شدید تقاضا و کاهش تمایل سهامداران به عرضه سهام، حکایت داشت. با این حال ارزش معاملات خرد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به ۱۱ هزار و ۴۹۱ میلیارد تومان رسید که نسبت به روز قبل و میانگین روزهای گذشته کمتر بود. بخش مهمی از این کاهش را می‌توان به بسته بودن تعداد زیادی از نمادها نسبت داد. افزون بر این تشکیل گسترده صف‌های خرید نیز امکان انجام معاملات بیشتر را محدود کرد؛ زیرا در بسیاری از نمادها، عرضه کافی برای پاسخگویی به تقاضا وجود نداشت. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های معاملات سه‌شنبه ورود سه هزار و ۷۱۶ میلیارد تومان پول حقیقی به بازار سهام بود. این میزان ورود نقدینگی پس از دوره‌ای از خروج متوالی سرمایه‌گذاران حقیقی، می‌تواند نشانه‌ای از تغییر نسبی انتظارات باشد. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج یک هزار و ۹۴۷ میلیارد تومان پول مواجه شدند. همزمانی ورود پول به سهام و خروج نقدینگی از صندوق‌های کم‌ریسک این احتمال را تقویت می‌کند که بخشی از سرمایه‌گذاران در حال افزایش سهم دارایی‌های پرریسک‌تر در سبد خود هستند. با وجود این نشانه‌های مثبت، قضاوت درباره آغاز یک روند صعودی پایدار همچنان زود است. بورس طی دو هفته گذشته، افت سنگینی را تجربه کرده و بخشی از رشد روزهای اخیر می‌تواند نتیجه کاهش قیمت سهام، تخلیه فشار فروش و بازگشت تقاضای کوتاه‌مدت باشد. پایداری مسیر جدید نیازمند تداوم ورود پول حقیقی، افزایش ارزش معاملات و حفظ تعادل بازار پس از بازگشایی نمادهای متوقف است.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

بازگشت به رکود

جنگ و تحریم با اقتصاد ایران چه کرده‌اند؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

اقتصاد ایران بار دیگر در نقطه‌ای قرار گرفته که بسیاری از شاخص‌های کلان، به‌صورت همزمان، در حال هشدار دادن هستند. چراغ‌های خطر یکی پس از دیگری روشن شده‌اند. نخست عقربه رشد اقتصادی به محدوده منفی بازگشت، سپس تولید صنعتی کاهش یافت، کسری بودجه عمیق‌تر شد، نقدینگی شتاب گرفت و سرانجام تورم به سطحی رسید که در حافظه تاریخی اقتصاد ایران کم‌سابقه است. اگر هر یک از این شاخص‌ها به‌تنهایی زنگ هشدار برای سیاستگذاران محسوب می‌شود همزمانی آنها تصویری از اقتصادی را ترسیم می‌کند که زیر فشار جنگ، تشدید تحریم‌ها و محاصره اقتصادی وارد مرحله‌ای تازه از بی‌ثباتی شده است. اکنون دیگر صورت مسئله چندان پیچیده نیست. درآمدهای دولت کاهش یافته، هزینه‌هایش به سرعت افزایش پیدا کرده و پیامد این شکاف، رکود، تورم و کاهش رفاه خانوارهاست. پرسش اصلی این است که اقتصاد ایران تا چه اندازه توان عبور از این پیچ تاریخی را دارد و خاموش کردن این چراغ‌های خطر از کجا باید آغاز شود؟

در سال‌های گذشته هرگاه یکی از موتورهای رشد اقتصادی تضعیف می‌شد، موتور دیگری تا حدی این ضعف را جبران می‌کرد. زمانی صادرات نفت رشد می‌کرد، زمانی بخش خدمات به کمک اقتصاد می‌آمد و گاه نیز افزایش هزینه‌های دولت، مانع از سقوط شدید تولید می‌شد. اما اکنون تقریباً همه موتورهای رشد همزمان با کاهش توان مواجه شده‌اند. اقتصاد ایران در زمستان وارد محدوده رشد منفی شده است؛ اتفاقی که اگرچه ریشه‌های آن از ماه‌های قبل آغاز شده بود اما جنگ و تشدید تحریم‌ها، روند نزولی را سرعت بخشید. تا پیش از زمستان، بخش نفت همچنان مهم‌ترین عامل حفظ رشد اقتصادی بود. افزایش صادرات نفت و رشد خدمات باعث شده بود، اقتصاد از رکود عمیق فاصله بگیرد. اما با تشدید محدودیت‌های خارجی، افزایش هزینه‌های مبادلات، کاهش دسترسی به بازارهای جهانی و نااطمینانی ناشی از جنگ، این دو موتور نیز قدرت خود را از دست دادند. در چنین شرایطی، اقتصاد دوباره وارد چرخه‌ای شده که ویژگی اصلی آن، کاهش تولید همراه با افزایش شدید قیمت‌هاست؛ وضعیتی که اقتصاددانان از آن با عنوان «رکود تورمی» یاد می‌کنند. نگاهی به سمت تقاضای اقتصاد نیز همین تصویر را تأیید می‌کند. در بخش مخارج، تنها جزء مثبت هزینه‌های دولت بوده که رشد حدود ۱۰۰ درصدی را ثبت کرده است. در مقابل، مصرف بخش خصوصی که مهم‌ترین محرک تقاضای داخلی محسوب می‌شود به شدت کاهش یافته و به حدود چهار درصد رسیده است. افت مصرف خانوارها معمولاً یکی از روشن‌ترین نشانه‌های کاهش رفاه عمومی است. هنگامی که درآمد واقعی مردم

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

شکاف عمیق بهره‌وری

چرا ایرانی‌ها بیشتر کار می‌کنند اما کمتر تولید می‌کنند؟

فریده اسکندری

گروه اقتصاد

می‌گویند هرچه مردم یک کشور بیشتر کار کنند، اقتصاد آن کشور نیز باید ثروتمندتر باشد. اما تجربه کشور ما داستان دیگری روایت می‌کند. ما ساعت‌های طولانی کار می‌کنیم، برخی دو یا حتی سه شغل دارند و بسیاری از صاحبان کسب‌وکار نیز روزهای تعطیل را کنار گذاشته‌اند. با این حال تولید سرانه و بهره‌وری نیروی کار در ایران فاصله قابل‌توجهی با بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و حتی برخی اقتصادهای نوظهور دارد. پرسش اینجاست که چرا کار بیشتر به تولید بیشتر منجر نمی‌شود؟

پاسخ را شاید بتوان در تفاوت میان ساعت کار و بهره‌وری جست‌وجو کرد. آنچه ثروت یک کشور را می‌سازد، ارزشی است که در هر ساعت کار خلق می‌شود. ممکن است، کارگری در یک کارخانه آلمانی یا کره‌ای ۸ ساعت کار کند اما به دلیل برخورداری از ماشین‌آلات مدرن، فناوری پیشرفته، مدیریت کارآمد و زنجیره تأمین منظم چند برابر یک کارگر ایرانی ارزش افزوده ایجاد کند. اقتصاد ایران سال‌هاست با مشکل فرسودگی سرمایه روبه‌روست.

زیر فشار تورم کاهش پیدا می‌کند، خانوارها ابتدا خرید کالا‌های با دوام را به تعویق می‌اندازند سپس از هزینه‌های رفاهی، آموزشی و درمانی می‌کاهند و در نهایت حتی مصرف کالا‌های ضروری نیز محدود می‌شود. استمرار این روند علاوه بر کاهش کیفیت زندگی تقاضای کل اقتصاد را نیز کوچک‌تر می‌کند و به رکود دامن می‌زند. همزمان، وضعیت مالی دولت نیز به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصاد تبدیل شده است. بودجه عمومی با کسری قابل‌توجهی بسته شده و برآوردها نشان می‌دهد، کسری تراز عملیاتی به حدود ۵۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. اگر سایر منابع و مصارف نیز در نظر گرفته شود، مجموع کسری بودجه سال ۱۴۰۵ به حدود یک‌هزار و ۴۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. چنین شکافی به این معناست که دولت برای تأمین هزینه‌های خود یا باید درآمدهای جدید ایجاد کند، یا بدهی بیشتری منتشر کند، یا از منابع بانک مرکزی استفاده کند. در اقتصادی که هم درآمدهای نفتی تحت‌فشار قرار گرفته و هم درآمدهای مالیاتی به دلیل رکود محدود شده است، گزینه‌های پیش روی دولت بسیار محدود است. از سوی دیگر جنگ، هزینه‌های دولت را نیز به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده است. افزایش هزینه‌های امنیتی و دفاعی، جبران خسارت زیرساخت‌ها، حمایت از مناطق آسیب‌دیده، افزایش پرداخت‌های اجتماعی و رشد هزینه‌های جاری همگی فشار مضاعفی بر بودجه وارد می‌کنند. بنابراین دولت همزمان با دو مسئله روبه‌روست؛ درآمدهای کمتر و هزینه‌های بیشتر. این همان ترکیبی است که معمولاً کسری بودجه را به یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌ثباتی اقتصاد کلان تبدیل می‌کند. تأثیر این شرایط را می‌توان به‌وضوح در بخش صنعت مشاهده کرد. داده‌های اسفندماه ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد تقریباً تمامی صنایع با کاهش تولید مواجه شده‌اند. افت تولید در صنایع مختلف تنها به‌معنای کاهش عرضه کالا نیست؛ بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای اشتغال، سرمایه‌گذاری، صادرات و درآمد خانوارها دارد. زمانی که کارخانه‌ها با کمبود مواد اولیه، محدودیت واردات تجهیزات، افزایش هزینه انرژی، دشواری تأمین مالی و کاهش تقاضا روبه‌رو می‌شوند ناچار به کاهش ظرفیت تولید یا توقف بخشی از فعالیت خود خواهند شد. کاهش تولید امروز به معنای کاهش سرمایه‌گذاری فردا و کاهش اشتغال در سال‌های آینده نیز هست. در کنار رکود، تورم نیز با سرعتی بی‌سابقه در حال افزایش است. روند صعودی تورم از اواخر سال ۱۴۰۳ آغاز شد. در آن زمان نرخ تورم در محدوده ۳۰ درصد قرار داشت اما اصلاح نرخ ارز در زمستان ۱۴۰۴ سپس آثار ناشی از جنگ و محدودیت‌های تجاری این روند را تشدید کرد. نتیجه آن بود که براساس آمارهای رسمی، نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در خرده‌ماه امسال به حدود ۸۸ درصد و نرخ تورم سالانه به ۶۲ درصد رسید. تورم در چنین سطوحی تنها یک شاخص اقتصادی نیست؛ بلکه پدیده‌ای است که همه ابعاد زندگی مردم را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، قدرت خرید خانوارها به سرعت کاهش می‌یابد، برنامه‌ریزی

اقتصادی بنگاه‌ها دشوار می‌شود، قراردادهای بلندمدت اعتبار خود را از دست می‌دهند و انگیزه سرمایه‌گذاری مولد کاهش پیدا می‌کند. همچنین بخش مهمی از منابع مالی به جای حرکت به سمت تولید به بازارهای دارایی و فعالیت‌های سفته‌بازانه منتقل می‌شود؛ زیرا فعالان اقتصادی تلاش می‌کنند، ارزش دارایی‌های خود را در برابر تورم حفظ کنند. عامل مهم دیگری که نگرانی اقتصاددانان را افزایش داده، رشد سریع نقدینگی است. براساس آمارهای اسفندماه، نرخ رشد نقدینگی به حدود ۵۳ درصد رسیده است. با توجه به تحولات سه ماه اخیر افزایش هزینه‌های دولت و آثار اقتصادی جنگ، احتمال دارد این نرخ اکنون از این میزان نیز فراتر رفته باشد. رشد نقدینگی زمانی خطرناک‌تر می‌شود که همزمان با کاهش تولید رخ دهد؛ زیرا در این صورت، حجم پول با سرعت بیشتری نسبت به تولید کالا و خدمات افزایش می‌یابد و نتیجه طبیعی آن فشار بیشتر بر سطح عمومی قیمت‌ها خواهد بود. رشد ۵۳درصدی نقدینگی از منظر تاریخی نیز کم‌سابقه است. اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته، دوره‌های مختلفی از رشد بالای نقدینگی را تجربه کرده اما کمتر زمانی چنین رشد شدیدی همزمان با رکود، جنگ، تحریم و کاهش تولید رخ داده است. این همزمانی، خطر ورود اقتصاد به چرخه‌ای را افزایش می‌دهد که در آن تورم و رکود یکدیگر را تقویت می‌کنند. دولت برای جبران کسری بودجه به منابع پولی متوسل می‌شود، رشد نقدینگی افزایش می‌یابد، تورم بالا می‌رود، قدرت خرید کاهش پیدا می‌کند، رکود عمیق‌تر می‌شود و دوباره درآمدهای دولت کاهش می‌یابد. شکستن این چرخه بدون اصلاحات بنیادین بسیار دشوار خواهد بود. از منظر تاریخی نیز شرایط کنونی اقتصاد ایران استثنایی بنظر می‌رسد. نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه ۸۸ درصدی در تاریخ معاصر ایران تقریباً بی‌سابقه است. بسیاری از پژوهشگران معتقدند تنها دوره‌ای که می‌توان از نظر شدت شوک‌های اقتصادی با وضعیت امروز مقایسه کرد، شهریور ۱۳۲۰ و پیامدهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم است؛ زمانی که هم اختلال در تجارت خارجی، هم کاهش تولید داخلی و هم بی‌ثباتی سیاسی، اقتصاد کشور را با تورم شدید و کمبود کالا روبه‌رو کرده بود. البته ساختار اقتصاد امروز با آن دوره تفاوت‌های زیادی دارد اما از منظر شدت فشارهای همزمان بر تولید، تجارت و بودجه دولت، شباهت‌هایی قابل مشاهده است. در نهایت شاید مهم‌ترین ویژگی وضعیت کنونی آن باشد که صورت‌مسئله اقتصاد بیش از هر زمان دیگری روشن شده است. اقتصاد ایران اکنون نه با یک مشکل منفرد بلکه با زنجیره‌ای از مشکلات به‌هم پیوسته مواجه است. کاهش درآمدهای دولت، افزایش هزینه‌های عمومی، رکود تولید، افت مصرف خصوصی، رشد نقدینگی و تورم بالا همگی حلقه‌هایی از یک زنجیره واحد هستند. در مرکز این زنجیره نیز تغییری قرار دارد که تقریباً بر همه شاخص‌ها اثر گذاشته است؛ روابط خارجی، تحریم‌ها، جنگ و محاصره اقتصادی. تا زمانی که این متغیر بنیادین تغییر نکند، کنترل سایر شاخص‌ها نیز دشوار خواهد بود. حتی اگر دولت بتواند، بخشی از کسری بودجه را مدیریت کند یا سیاست‌های پولی سختگیرانه‌تری در پیش بگیرد، فشار ناشی از محدودیت‌های خارجی همچنان بر درآمدها، تجارت، سرمایه‌گذاری و تولید سایه خواهد انداخت. به همین دلیل اقتصاد ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به تصمیم‌هایی نیاز دارد که بتوانند همزمان مسیر کاهش تنش‌های خارجی، بازگشت سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و بازسازی اعتماد فعالان اقتصادی را هموار کنند. در غیر این صورت زمستان رشد منفی ممکن است تنها آغاز دوره‌ای طولانی‌تر از رکود، تورم و فرسایش ظرفیت‌های اقتصادی کشور باشد.

قیمت‌گذاری‌های دستوری، انحصار در برخی بازارها و ضعف رقابت، انگیزه بنگاه‌ها برای افزایش کارایی را کاهش می‌دهد. در اقتصادی که سودآوری همیشه از مسیر نوآوری و افزایش بهره‌وری به‌دست نمی‌آید، سرمایه‌گذاری در فناوری و آموزش نیز اولویت خود را از دست می‌دهد. نباید از مسئله سرمایه انسانی نیز غافل شد. ایران از نظر سطح تحصیلات دانشگاهی در منطقه، جایگاه قابل‌قبولی دارد اما میان آموزش و نیاز بازار کار، شکاف قابل‌توجهی وجود دارد. علاوه بر این مهاجرت بخشی از نیروهای متخصص، کمبود آموزش‌های مهارتی و کاهش انگیزه نیروی کار در نتیجه افت قدرت خرید بر بهره‌وری اثر منفی گذاشته است. نکته مهم دیگر تفاوت میان اشتغال و اشتغال مولد است. بخشی از نیروی کار ایران در فعالیت‌هایی مشغول است که ارزش افزوده اندکی ایجاد می‌کنند، گسترش مشاغل غیررسمی، واسطه‌گری، فعالیت‌های کم‌بهره‌ور خدماتی و حتی اشتغال پنهان در برخی بخش‌های دولتی باعث شده، تعداد شاغلان افزایش یابد اما تولید به همان نسبت رشد نکند. در نهایت، مسئله اصلی اقتصاد ایران کم‌کاری مردم نیست؛ بلکه پایین بودن بهره‌وری اقتصاد است. ایرانی‌ها الزماً کمتر از دیگران تلاش نمی‌کنند اما در محیطی فعالیت می‌کنند که سرمایه کافی، فناوری مناسب، ثبات اقتصادی، رقابت سالم و نهادهای کارآمد در آن محدود است. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد، ثروتمند شدن از مسیر طولانی‌تر کار کردن حاصل نمی‌شود؛ بلکه از مسیر هوشمندانه‌تر کار کردن، سرمایه‌گذاری بیشتر، فناوری پیشرفته‌تر و حکمرانی اقتصادی کارآمدتر به دست می‌آید. تا زمانی که این عوامل اصلاح نشووند، افزایش ساعت کار نیز نمی‌تواند، شکاف تولید و بهره‌وری ایران با اقتصادهای موفق جهان را پر کند.

شبه انسداد در معابر هرمزگان

پیامدهای حملات هوایی آمریکا بر خطوط لجستیکی بندرعباس

گروه اجتماعی: بررسی‌های تازه‌تر از ابعاد میدانی حملات هوایی ارتش آمریکا به مناطق جنوبی ایران نشان می‌دهد که محورهای مواصلاتی و راه‌های ترانزیتی استان هرمزگان، به‌ویژه خطوط منتهی به بندرعباس، هدف موجی از حملات برنامه‌ریزی شده، قرار گرفته‌اند. براساس گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های داخلی، هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های حمل‌ونقل ازجمله پل‌ها، تونل‌ها و خطوط ریلی، شریان‌های ارتباطی این استان ساحلی را با اختلال مواجه کرده است. اگرچه مقام‌های آمریکایی مدعی شده‌اند، عملیات‌های نظامی آنها صرفاً بر «ضعیف کردن قابلیت‌های لجستیکی و نظامی سپاه پاسداران» متمرکز است و هدف قرار دادن زیرساخت‌های مدنی را تکذیب می‌کنند اما شواهد میدانی و آمار تلفات انسانی روایت دیگری را به تصویر می‌کشد.

دو موج حمله به ۱۰ نقطه کلیدی؛ بستن ورودی‌های غرب و شمال

تحلیل تصاویر ویدئویی و گزارش‌های محلی تأیید می‌کند که حملات در دو موج اصلی متمرکز بوده است: موج اول؛ انهدام معابر غربی؛ در نخستین فاز از این اقدامات ۶ پل حیاتی در شهرستان خمیر واقع در غرب

جامعه

بلا تکلیفی صدور گواهینامه

معاون رئیس‌جمهور از صدور گواهینامه موتورسیکلت بانوان خبر می‌دهد، راهور تکذیب می‌کند



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

درحالی‌که معاونت امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری از «چاپ نمونه اولیه گواهینامه موتورسیکلت بانوان» خبر داده، پلیس راهور فراجا با تکذیب صریح آن، اعلام کرده که هنوز هیچ مجوزی در این زمینه صادر نشده است. این ناهمخوانی نشان می‌دهد که مصوبه زمستان گذشته هیأت دولت در مقام اجرا پشت درهای پلیس راهور متوقف شده است. زهرا بهروزآذر، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری، در جمع خبرنگاران اعلام کرده بود که نمونه اولیه گواهینامه موتورسیکلت بانوان چاپ شده و این موضوع به هیچ عنوان «حرام ذاتی» نیست. او تأکید کرده بود که دولت امیدوار است، وعده پلیس راهور برای آغاز فرآیند صدور در همین ماه عملیاتی شود. با این حال هنوز چند ساعت از انتشار این اظهارات نگذشته بود که سردار سیدتیمور حسینی، رئیس پلیس راهور فراجا با رد کامل این ادعا گفت: «چنین ادعایی از منظر فنی و اجرایی موضوعیت ندارد چراکه تاکنون هیچ گواهینامه‌ای در این حوزه صادر نشده است».

سیر زمانی یک تصمیم؛ از مصوبه هیأت دولت تا وقفه اجرایی

نگاهی به توالی زمانی رویدادها در ماه‌های گذشته مسیر پیچ‌وشماری را نشان می‌دهد که این موضوع در راهروهای اداری طی کرده و در نهایت به بن‌بست فعلی رسیده است:

۸ بهمن ۱۴۰۴: هیأت وزیران در مصوبه‌ای براساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی، فرماندهی کل انتظامی (فراجا) را

مکلف کرد که با رعایت ملاحظات شرعی، آموزش عملی متقاضیان زن را از طریق مربیان زن و آزمون را با اولویت افسران زن انجام دهد تا زمینه صدور رسمی گواهینامه فراهم شود.

اسفند ۱۴۰۴: قرار بود نخستین مرحله از صدور گواهینامه‌ها در این ماه آغاز شود اما وقوع درگیری‌های نظامی (جنگ ۴۰ روزه) و تمرکز کامل نیروهای انتظامی و امنیتی بر شرایط بحرانی کشور، این فرآیند را به تعویق انداخت.

اردیبهشت ۱۴۰۵: با وجود برنامه‌ریزی‌های اولیه برای برگزاری مراسم رونمایی از فرآیند صدور، اجرای مصوبه بار دیگر به دلیل اولویت‌های انتظامی پس از درگیری‌ها معطل ماند.

تیسر ۱۴۰۵: با گذشت حدود ۵ ماه از مصوبه هیأت دولت آموزشگاه‌های رانندگی همچنان به دلیل عدم ابلاغ دستورالعمل‌های

استان هرمزگان هدف قرار گرفتند. پل‌هایی همچون «گریوه» در محور ترانزیتی بندرعباس-خمیر-لار، پل «کلمتلی» (روستای لاتیدان)، دو سازه پل در مسیر کهورستان-لار و پل‌های ارتباطی در روستاهای «نیمه‌کار» و «مارو» ازجمله مواردی بودند که تخریب شده یا خسارات جدی دیدند. موج دوم؛ مسدودسازی محورهای شمالی و شرقی: در ادامه، حملات به سمت شمال و شرق بندرعباس کشیده شد. در این مرحله «تونل شهید میرزایی»، پل «رودخانه شور» در محور تجاری بندرعباس به سیرجان، پل سه‌راهی میناب به سمت رودان همچنین بخشی از خطوط راه‌آهن در غرب بندرعباس مورد اصابت قرار گرفتند. تمامی محورهای آسیب‌دیده، گلوگاه‌های اصلی واردات و صادرات و راه‌های دسترسی به بندر تجاری شهید رجایی و بندر شهید باهنر محسوب می‌شوند.

خسارات انسانی؛ قربانیان غیرنظامی در حاشیه جاده‌ها

براساس آمارهای تأیید شده توسط نهادهای امدادی و رسانه‌ها حداقل ۸ نفر در جریان حملات به محورهای مواصلاتی استان هرمزگان جان خود را از دست داده و ۱۹ نفر دیگر مجروح شده‌اند.

اجرای و آیین‌نامه‌های تخصصی از سوی پلیس راهور از ثبت‌نام متقاضیان زن خودداری کردند.

اول مرداد ۱۴۰۵: اعلام خبر چاپ نمونه اولیه گواهینامه از سوی معاونت زنان و تکذیب بلافاصله آن توسط رئیس پلیس راهور، شکاف عمیق و عدم هماهنگی در ابلاغ و اجرای این مصوبه را علنی کرد.

ریشه مناقشه؛ تقابل تبصره قانون و مصوبه هیأت دولت

علت اصلی این‌کندی و تناقض در مواضع رسمی به یک اختلاف‌نظر عمیق حقوقی و فقهی میان پاستور (نهاد ریاست‌جمهوری) و راهور (بدنه انتظامی) بازمی‌گردد.

پلیس راهور فراجا، خود را «مجری صرف قانون» می‌داند و به تبصره ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی (مصوب ۱۳۸۹) استناد می‌کند که صراحتاً «صدور گواهینامه موتورسیکلت برای مردان» را برعهده پلیس گذاشته است. مسئولان راهور معتقدند مصوبه هیأت دولت نمی‌تواند، جایگزین قانون مصوب مجلس شورای اسلامی شود. از دیدگاه انتظامی تا زمانی که متن قانون



در صحن علنی مجلس اصلاح نشود و مصوبه جدید به پلیس ابلاغ نگردد، امکان صدور کارت گواهینامه برای زنان وجود ندارد چراکه هرگونه اقدام بدون مجوز مجلس می‌تواند، تبعات حقوقی برای نهاد مجری داشته باشد. در مقابل، معاونت امور زنان دولت تأکید دارد که در هیچ جای قوانین جاری کشور، موتورسواری زنان «ممنوع» یا «جرم‌انگاری» نشده است. از دیدگاه حقوقی دولت، عدم صدور گواهینامه در سال‌های گذشته تنها ناشی از یک «سکوت اداری» و غلبه نگاه سنتی بوده نه یک منع مصرح قانونی. بنابراین مصوبه هشتم بهمن‌ماه هیأت وزیران براساس اختیارات آئین‌نامه‌ای دولت، این موانع اجرایی را برطرف کرده و نیازی به طی کردن مراحل طولانی لایحه یا طرح جدید در راهروهای مجلس شورای اسلامی نیست.



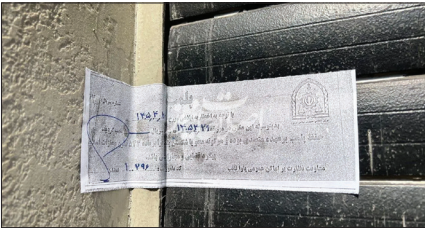
پایداری لجستیک و معابر جایگزین؛ نقشی که جغرافیا ایفا کرد

آرمان محمودیان، پژوهشگر بین‌المللی مسائل امنیتی، در تحلیل ابعاد فنی این حملات به بی‌بی‌سی گفته: «هدف واشنگتن انسداد کامل خطوط ارسال کالا و تجهیزات به بندرعباس به‌عنوان مرکز فرماندهی منطقه اول نیروی دریایی سپاه و قطب اقتصادی ایران بوده است». با این حال به گفته این کارشناس، خشکسالی‌های پیاپی در جنوب ایران به‌طور ناخواسته، مانع از تحقق کامل هدف مسدودسازی شده است. خشک بودن بستر رودخانه‌های فصلی به نیروهای امدادی و رانندگان امکان داده است تا با خاک‌ریزی و ایجاد معابر موقت در کنار سازه‌های تخریب شده، تردد خودروهای سنگین را برقرار نگه دارند. اگرچه این مسیرهای فرعی باعث کاهش سرعت، افزایش مسافت و افت کارایی حمل‌ونقل شده‌اند اما جریان تردد کالا را کاملاً متوقف نکرده‌اند. در همین راستا بازدید وزرای مربوطه از بنادر کلیدی منطقه نشان می‌دهد که فعالیت‌های تخلیه و بارگیری با وجود مخاطرات امنیتی و اقدامات تلافی‌جویانه طرفین در سطح منطقه همچنان ادامه دارد.

شهر

چرا پلمب کافه‌های سنایی؟

کافه‌هایی که فقط کافه نیستند



پلمب تعدادی از کافه‌های شناخته شده خیابان‌های سنایی و ایرانشهر تهران، آن‌هم در شرایطی که کشور همچنان با پیامدهای جنگ و فشارهای اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند بار دیگر این پرسش را پیش روی افکار عمومی قرار داده است که اولویت سیاست‌گذاری اجتماعی در شرایط بحران چیست؟ نکته مهم آن است که تا زمان نگارش این یادداشت، هیچ توضیح رسمی و شفافی درباره علت این پلمب‌ها ارائه نشده و همین ابهام، زمینه گمانه‌زنی‌های مختلف را فراهم کرده است.

صرف‌نظر از علت این تصمیم، کافه‌ها در ایران امروز دیگر صرفاً محل نوشیدن قهوه نیستند. آنها به یکی از معدود «فضاهای سوم» جامعه شهری تبدیل شده‌اند؛ مکان‌هایی میان خانه و محل کار که امکان گفت‌وگو، معاشرت و تجربه‌ای کوتاه از زندگی عادی را برای شهروندان فراهم می‌کنند. در روزگاری که تورم، نااطمینانی اقتصادی و فشارهای روانی ناشی از جنگ بسیاری از فرصت‌های تفریح و تعامل اجتماعی را محدود کرده است چنین فضاهایی بخشی از سرمایه اجتماعی شهرها محسوب می‌شوند. تجربه سال‌های اخیر نیز نشان داده که جامعه ایران پس از تحولات ۱۴۰۱ دستخوش تغییرات عمیقی در سبک زندگی و الگوهای اجتماعی شده است. حتی برخی تصمیمات رسمی ازجمله توقف اجرای قانون حجاب و عفاف، نشانه‌ای از پذیرش این واقعیت بود که مسائل اجتماعی را نمی‌توان صرفاً با ابزارهای سلبی مدیریت کرد.

در چنین شرایطی، تعطیلی ناگهانی کسب‌وکارهایی که بخشی از زیست روزمره شهروندان را شکل داده‌اند بیش از آنکه یک اقدام صنفی به‌نظر برسد این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا در دوران بحران، محدود کردن فضاهای عمومی می‌تواند به افزایش همبستگی اجتماعی کمک کند یا برعکس، فاصله میان جامعه و نهادهای تصمیم‌گیر را بیشتر خواهد کرد؟

آنچه امروز بیش از هر چیز ضرورت دارد، شفافیت در تصمیم‌گیری و توجه به آثار اجتماعی سیاست‌هاست؛ زیرا در روزگار بحران، حفظ سرمایه اجتماعی گاه به اندازه حفظ سرمایه اقتصادی اهمیت دارد.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروف‌چین: سحر خسروجردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

عملکرد افتخارآمیز

روایتی از احیای اقتدار بیمه ایران؛
بزرگ‌ترین سرمایه ملی صنعت بیمه



در مقطعی که صنعت بیمه کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند مدیریتی مبتنی بر دانش، تجربه، جسارت و تصمیم‌گیری‌های راهبردی بود، حضور دکتر علی جباری در رأس شرکت سهامی بیمه

ایران، فصل تازه‌ای از تحول، اقتدار و بازگشت این برند ملی به جایگاه شایسته خود را رقم زد.

بیمه ایران به عنوان نخستین و تنها شرکت بیمه دولتی کشور نه‌تنها بزرگ‌ترین سرمایه ملی صنعت بیمه محسوب می‌شود؛ بلکه نقشی تعیین‌کننده در ثبات اقتصادی، مدیریت ریسک‌های کلان و تأمین امنیت مالی مردم و نگاه‌های اقتصادی دارد. از همین‌رو موفقیت این شرکت، موفقیتی برای کل اقتصاد کشور است.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دوره مدیریت دکتر جباری، تقویت بنیان‌های مالی شرکت و ارتقای توانگری مالی بیمه ایران بود؛ به گونه‌ای که این شرکت برای نخستین‌بار موفق به کسب نسبت توانگری مالی ۲۲۲ درصد و سطح یک توانگری شد؛ دستاوردی که جایگاه بیمه ایران را به‌عنوان یکی از توانمندترین شرکت‌های بیمه کشور تثبیت کرد.

در حوزه افزایش سرمایه نیز اقدامات بنیادینی صورت گرفت. افزایش چشمگیر سرمایه شرکت علاوه بر ارتقای ظرفیت پذیرش ریسک موجب شد بیش از ۷۰ درصد سرمایه صنعت بیمه کشور در اختیار بیمه ایران قرار گیرد و قدرت ایفای تعهدات شرکت در شرایط بحرانی بیش از گذشته افزایش یابد. دکتر جباری هم‌زمان با اصلاح ساختارهای مالی، نگاه ویژه‌ای به توسعه بازار نیز داشت. انعقاد قراردادهای بزرگ، توسعه پرتفوی، گسترش خدمات بیمه‌ای و جذب مشتریان کلان، مسیر تازه‌ای برای رشد درآمدهای شرکت ترسیم کرد. ازجمله این اقدامات، انعقاد تفاهم‌نامه گسترده بیمه عمر گروهی برای میلیون‌ها بازنشسته تأمین اجتماعی بود که یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای سال صنعت بیمه به شمار می‌رود.

اما شاید برجسته‌ترین جلوه مدیریت دکتر جباری عملکرد تاریخی بیمه ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه و «جنگ رمضان» باشد. در شرایطی که هزاران خودروی مردم دچار آسیب شد، بیمه ایران با بسیج تمامی ظرفیت‌های خود، شبکه ارزیابان، شعب، کارشناسان و مدیران را به میدان آورد و با ثبت رکوردی کم‌نظیر، ده‌ها هزار پرونده خسارت را در کوتاه‌ترین زمان ممکن ارزیابی و بخش عمده‌ای از خسارات را پرداخت کرد. این اقدام، جلوه‌ای عملی از مسئولیت اجتماعی و نقش ملی بیمه ایران در حمایت از مردم بود.

در حوزه سرمایه انسانی نیز مدیریت دکتر جباری با تأکید بر تکریم کارکنان، تقویت شبکه نمایندگان، ارتقای آموزش‌های تخصصی، توسعه شایسته‌سالاری و افزایش انگیزه سازمانی همراه بود. وی بارها سرمایه اصلی بیمه ایران را نیروی انسانی متخصص و شبکه گسترده نمایندگان دانسته و رضایت کارکنان، مشتریان و نمایندگان را سه ضلع اصلی موفقیت شرکت معرفی کرده است. از سوی دیگر حضور فعال بیمه ایران در رویدادهای ملی و مذهبی به ویژه خدمت‌رسانی گسترده به عزاداران امام شهید و زائران اربعین حسینی، نشان داد که این شرکت علاوه بر نقش اقتصادی، مأموریتی اجتماعی و فرهنگی نیز برای خود قائل است؛ مأموریتی که با توسعه خدمات، استقرار ستادهای عملیاتی، آموزش گسترده نیروها و آمادگی کامل برای ارائه خدمات بیمه‌ای به میلیون‌ها زائر همراه شد. در مجموع، مدیریت دکتر علی جباری را می‌توان دوره‌ای از بازسازی اعتماد، ارتقای اقتدار مالی، افزایش توان عملیاتی، توسعه بازار، مدیریت موفق بحران و تقویت سرمایه اجتماعی بیمه ایران دانست؛ دوره‌ای که در آن، این شرکت بار دیگر جایگاه تاریخی خود را به‌عنوان ستون اصلی صنعت بیمه کشور و پشتوانه امنیت اقتصادی مردم تثبیت کرد. امروز بیمه ایران با اتکا به مدیریت راهبردی، سرمایه مالی مستحکم، نیروی انسانی متخصص و شبکه گسترده خدمات‌رسانی بیش از گذشته آماده ایفای نقش ملی خود در اقتصاد ایران است؛ مسیری که با هدایت دکتر علی جباری، افق‌های روشن‌تری را پیش روی بزرگ‌ترین و با سابقه‌ترین شرکت بیمه کشور داده است.

تریبون گفت‌وگو یا میدان اتهام؟

بررسی مسئولیت حقوقی رسانه ملی و کارشناسان آن



محمد شایانی

وکیل دادگستری

اظهارات منتسب به آقای محمدحسین دوانی، کارشناس صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، در یکی از برنامه‌های زنده تلویزیونی بار دیگر این پرسش را در افکار عمومی مطرح کرده که حدود و ثغور مسئولیت کارشناسان رسانه ملی در بیان اتهامات سنگین علیه اشخاص چیست و نظارت سازمان صداوسیما بر چنین اظهاراتی تا چه اندازه مؤثر و کارآمد است؟ اطلاق عناوینی همچون «منافق» و «مرجفون» به آقایان سیدمحمد خاتمی و حسن روحانی صرفاً یک اظهارنظر سیاسی نیست؛ بلکه به‌کارگیری مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی، فقهی و حقوقی، بار معنایی و آثار سنگینی دارند. نسبت دادن چنین عناوینی بدون ارائه دلیل متقن و بدون وجود حکم قطعی از مرجع صالح قضایی، نه با موازین حقوقی سازگار است و نه با آموزه‌های اخلاق اسلامی. قرآن کریم نیز مؤمنان را از اتهام‌زنی و نسبت‌های ناروا برحذر داشته و آبروی

ادامه سرمقاله

برنامه زنده به‌جای آنکه عرصه تحلیل مستند و گفت‌وگوی منطقی باشد به محلی برای طرح اتهامات سنگین علیه رؤسای جمهور پیشین کشور تبدیل می‌شود. آیا این شیوه با اصول اخلاقی رسانه‌ای، حفظ امنیت روانی جامعه، تقویت وحدت ملی و تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر رعایت انصاف، اخلاق و پرهیز از تخریب و دوقطبی‌سازی همخوانی دارد؟

رسانه ملی، سرمایه همه ملت ایران است؛ نه تریبون حذف، تخریب و برچسب‌زنی. جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری به گفت‌وگوی مستدل، نقد منصفانه و رعایت اخلاق در عرصه عمومی نیاز دارد. اختلاف‌نظر سیاسی هرگز مجوز هتک حرمت، اتهام‌زنی و تخریب شخصیت افراد نیست.

امید آن است که مسئولان سازمان صداوسیما با بازنگری در شیوه نظارت بر محتوای برنامه‌های زنده و عملکرد کارشناسان خود زمینه تقویت اعتماد عمومی، ارتقای اخلاق رسانه‌ای و پاسداشت کرامت اشخاص را فراهم آورند؛ چراکه اقتدار رسانه ملی، نه در تندئی کلام بلکه در صداقت، انصاف، قانون‌مداری و احترام به حقوق شهروندان تجلی می‌یابد.



دسترس خارج نمی‌شود. بخشی از اعتماد عمومی نیز از بین می‌رود. مردمی که در ماه‌های گذشته، شنیده‌اند برای انسجام ملی باید کنار هم بایستند، وقتی می‌بینند دایره فعالیت رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، کافه‌ها و نهادهای مدنی کوچک‌تر می‌شود با تناقضی جدی روبه‌رو می‌شوند. انسجام ملی با حذف صداها، متفاوت و ایجاد تک‌صدایی ساخته نمی‌شود؛ با این اطمینان ساخته می‌شود که شهروند می‌تواند در چارچوب قانون کار کند، نقد کند و زندگی کند و نگران از دست رفتن ناگهانی حاصل عمرش نباشد.

چه خواهد شد؟

شاید ۳۶۰ بازگردد شاید هم نه اما پرسشی که آن شب عادل فردوسی‌پور مطرح کرد، باقی خواهد ماند: «چرا نمی‌گذارید کار کنیم؟» من سال‌ها پیش این پرسش را در تحریریه روزنامه‌های توقیف شده، شنیده بودم. آن زمان خبرنگاری جوان می‌گفت: «فقط بگذارید کار کنیم». بعد از سال‌ها شبیه همان جمله را از زبان عادل فردوسی‌پور شنیدم. میان آن خبرنگار گمنام و این مجری مشهور فاصله زیادی وجود دارد اما دردشان یکی است. درد جامعه‌ای که هنوز نتوانسته، تصمیم بگیرد با کسانی که می‌خواهند در همین کشور بمانند، کار کنند و نقد بنویسند چه می‌خواهد بکند. ما سال‌ها از سوی مردم با این پرسش روبه‌رو بودیم که «وقتی نمی‌توانید همه چیز را بگویید چرا هنوز در روزنامه کار می‌کنید؟» و این خیلی پرسش خطرناک و پردردی است.

تأکید می‌شود که «پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی، وظیفه همگانی است» و از سوی دیگر عده‌ای تندرو و خودخواه بدون توجه به چنین تأکیدی برای انسجام ملی به انحای مختلف دیگران را حذف می‌کنند و دلخوری‌ها را پدید می‌آورند تا جامعه کوچک‌تر و کوچک‌تر نشود و دایره کسانی که فعالیت می‌کنند به شدت محدود شود!

اختلاف بر سر چیست؟

در ظاهر دلیل مسدودسازی ۳۶۰ اختلاف بر سر نقد یک رسانه ورزشی است. گویا به‌زعم عده‌ای، کسی نباید از تیم ملی فوتبال ایران انتقاد کند. در واقع دایره نقد را آنقدر تنگ کرده‌اند که اگر به فدراسیون یا تیم ملی اشاره هم بکنی از خطوط قرمز عبور کرده و مستحق توبیخی! البته این ظاهر ماجراست. در عمق، اختلاف بر سر مرزهای انتقاد است. ما با پارادوکس عجیبی روبه‌رو هستیم. شما اگر در صداوسیما، انسجام ملی مورد تأکید رهبری را برهم بزنید و شبانه‌روز علیه سران قوا و شعام برنامه بسازید هیچ اشکالی ندارد اما اگر به تیم ملی فوتبال ایران بگویید تو مورد توبیخ قرار می‌گیری و برنامه‌ات تعطیل خواهد شد. اگر نتوان از عملکرد تیم ملی فوتبال یا فدراسیون انتقاد کرد پس نقد قرار است در چه حوزه‌ای مجاز باشد؟ و اگر انتقاد ذاتاً امر نامطلوبی است چرا برخی تریبون‌ها هر روز تندترین نقدها را مطرح می‌کنند و فعالیت‌شان ادامه دارد؟ وقتی یک رسانه فیلتر می‌شود فقط یک اپلیکیشن از